

## تأثیر اقلیم و وضع زندگی

اگر بیشتر بوضع کنونی شامل وضع زندگی و سنت‌ها و توانایی مالی عمومی توجه نمائیم متوجه میشویم که صنعتی نمودن ساختمان بسته به حل دو مسئله اساسی است و این دو مسئله هم که در نظر اول با یکدیگر تضاد کامل دارند از این قرار میباشند .

۱- صنعتی ساختن سریع برای فرآوردن خانه بیشتر در زمان کمتر یا بهای ارزانتر هرچه که ممکن باشد .

۲- بکار واداشتن حداکثر کارگران محلی برای جلوگیری از بیکاری که خود مصیبت خطرناکی برای کشور های در حال رشد بشمار میرود . معنای این کار اینست که کار فراوان تهیه شود و تعداد کثیری از کارگران در تمام رشته های صنعتی ساختمان سرگرم کار گردند .

اگر این دو مسئله اساسی برنامه های مهم را تشکیل دهند نتیجه مسلم آن اینست که صنعتی کردن ساختمان در کشور های در حال رشد با کشور های صنعتی و توسعه یافته بکلی با هم متفاوت

## نظریات : دکتر سوگارف استاد

دانشگاه مراکش

# برنامه صنعتی ساختن ساختمانها

خواهد شد یعنی در این دو نوع منطقه روشها و فنون صنعتی ساختن بکلی باهم فرق خواهد کرد .

صنعتی ساختن ساختمان در نواحی پرجمعیت که در آنها احتیاجات معمولاً برآماده بودن مصالح ساختمانی محلی فزونی دارد فوق العاده ضروری است .

صنعتی ساختن به بهای ارزان معمولاً به کارگران منحصراً که تعداد آنها نیز زیاد نیست سدعه میزند ؟

از مصالح مربوط به ترکیبات شیمیایی میتوان اشیاء متعدد با رنگها و اشکال مختلف بدست آورد و این تنها صنعت ساختمانی است که در آینده میتوان به مقدار زیاد از آن محصول بیرون داد و دراز امکانات وسیع ترکیبات شیمیایی و خودکاری تولید را در مقیاس وسیع بالا برد .

حالا ببینیم که جای معمار در این میانه کجا است ؟ امروز همه اذعان دارند که صنعتی شدن به معیار لطمه نمیزند و اگر تعدادی از ساختمانها که با روشهای صنعتی بنا شده اند دارای معماری مطرودی میباشند تفسیر از معماران آنهاست نه خودسیک و طریقه کار و به این ترتیب مسلم میشود که ایجاد ساختمان های مبتدل و بلی به استفاده از روشهای صنعتی یا غیر صنعتی ندارد .

توجه به اندازه ها و مقیاسهای ساختمانی از طرف تهیه کنندگان طرح ها و سازندگان آنها بطور قطع از زیباییهای منسور در ساختمان که از خصوصیات محلی و منطقه ای و سنن و وضع زندگی سرچشمه میگردد جلوگیری مینماید . ولی بطور کلی این نوع مشکلات نیز قابل حل و قابل جلوگیری میباشند .

بنابراین معمار همواره مجبور خواهد بود هدفهای اجتماعی و اقتصادی و فنی معماری را در نظر بگیرد تا بتواند بطور دقیق از امکانات وسیع مصالح وحدت صنعتی شدن ساختمان استفاده نماید .

## ساختمان های عمومی و اجتماعی

ساختمان آموزشگاهها با روشهای صنعتی در کشور های در حال رشد راه درازی را پیموده است . ولی نتایجی که تاکنون بدست آمده زیاد درخشان نیست . منظره این نوع بناها زیاد جالب نیست و با وضع اطراف خود هماهنگی ندارد . اغلب سوار کردن قطعات مجزای این بناها یا شتاب انجام شده و مابقی بندی بنا آنطور که باید و شایسته خوب درست نشده است . در نتیجه چون بهای آنها هم خیلی گران تمام شده و بهمرافه مورد رضایت قرار نکرده است . در خصوص ساختمان خانه هانم با قدری کم و بیش همین وضع چشم میخورد . آیا به این ترتیب باید نتیجه بگیریم که صنعتی ساختن بناها بیفایده است ؟ ایذا .

از دیاد روز افزون جمعیت و هجوم آن بشهرها در کلیه کشور های دنیا مسائلی بوجود آورده و هیچیک از کشورها اگر رفتاری این مسائل مصون نمیباشند و حتی کشورهای که سالها است صنعتی شده و درآمد ملی آنها شاید چهل برابر بیشتر از کشورهای افریقایی است هنوز برای حل این مسائل و رفع گرفتاریهای ناشی از آنها توفیق پیدا نکرده اند .

آنچه که برای ما مسلم است اینست که صنعتی شدن ساختمانها بدون تردید قسمت اعظم این گرفتاری ها را برطرف میسازد . در کشور های در حال رشد و توسعه برای دست یافتن به محصول بیشتر و تهیه ساختمان زیادتر تنها راه حل ، صنعتی نمودن ساختمان است ولی برای اینکه توسل به این راه برای تعداد کثیری از کارگران تولید بیکاری نشماید باید بطریقی عمل نمود که در ضمن صنعتی شدن کار ساختمان ها همواره کار برای کارگران وجود داشته باشد . حدود توانایی اقتصادی و مالی منطقه را باید در نظر گرفت و بهای ساختمان را بعد اقل تنزل داد و بدینوسیله بر تعداد و وسعت ساختمانها افزود و بار فشار را سبک کرد در اینجا باید ایجاد فوری ساختمانهای مورد احتیاج را در نظر گرفت و طوری عمل کرد که این ساختمانها هم مطمئن باشند و هم وسایل جلوگیری از سرما و گرما در آنها تعبیه شود . برای انجام این عمل هنر معماری باید فکر خلاصه خود را بکاراندازد زیرا صنعتی ساختن کار ساختمان بدون در نظر گرفتن وضع توسعه و رشد اجتماعی کشور و بدون توجه به تهیه برنامه بر اساس توانایی مادی و وضع اجتماعی و اقتصادی بهیچوجه میسر نخواهد بود . توسعه شهر ها و از دیاد ساختمان در آنها همیشه در اثر فقدان برنامه محلی دچار اشکال میگردد .

اصولاً صنعتی کردن ساختمان یعنی احداث ساختمانهای فراوان و انجام این کار بدون انکاء به یک برنامه محلی پیشرفته امکان پذیر نمیباشد . اما برنامه در خصوص صنعتی ساختن ساختمانها شامل کلیه مسائل مربوط به محیط و روحیه و احساس معمار میباشند .

## ابتکار دولت

حال باید دید که ابتکار صنعتی نمودن ساختمانها بعهده کیست ؟ عقیده کلی بر اینست که باید در دولت توجه لازم به صنعتی نمودن ساختمانها وجود داشته باشد . و دولت باید بطور معقول برنامه ریزی ساختمان را آماده و فضای ساختمانی را تهیه و راحتی و امنیت استفاده کنندگان از ساختمان را بعد اقل قیمت فراهم نماید البته وجود صنایع ساختمانی و تهیه مصالح و محصول فراوان شرط اساسی برای تقلیل قیمت خانه و اجرای سریع برنامه های ساختمانی است .

در کشور های در حال رشد ایجاد مدرسه و تربیت کادر آموزشی در درجه اول اهمیت قرار دارد و اهمیت آن بیشتر از ساختن خانه و صنعت میباشد. در اینجا مسئله در اطراف انتخاب صنعتی شدن دور میزند و باید احتیاط لازم را برای کیفیت و دوام ساختمان بعمل آورد و ساختمان را هنگام استفاده خوب حفظ و نگاهداری نمود. اکنون امکانات صنعتی ساختن کامل ساختمان تحت نفوذ چند عامل جدید که هنوز واقعیت نیافته اند قرار دارد و آن عبارتند از توسعه صنایع بطور کلی و ایجاد محصول فراوان و تغییر وضع اقتصادی. در این میان باید عوامل دیگری از قبیل انتخاب محل مناسب و تطبیق ساختمان با وضع زندگی و سنت ها را نیز در کار دخیل نمود در مراحل آنچه مسلم است اینست که تهیه مصالح قبل از شروع ساختمان و بطور فراوان و بطریق صنعتی مفاخرتی با انتخاب محل مناسب و بکار واداشتن کارگران و احترام به روحیه آنها و توجه به ذوقها و سلیقه های مختلف اشخاص و محل ندارد.

### حیطه صنعتی ساختن ساختمانها

صنعتی نمودن ساختمان را میتوان بطریق قاطعه در حیطه ساختمان منازل و قسمتی از بناهای اجتماعی و صنعتی بکار برد و توسعه داد و برای ایجاد خانه های ارزان قیمت باید فرماندهی واحد و برنامه واحد و طرز اجرای کار واحدی وجود داشته باشد. اما باید متوجه بود که ساختمان را نمیتوان با اشیاء ساخته شده صنعتی مقایسه کرد زیرا تفاوت این دو بسیار محسوس است. اشیاء ساخته شده صنعتی به تعداد بسیار زیادی و بطور یکسان ساخته میشوند و پس از ساخته شدن بسته بندی شده و تحویل بازار میگردد و تقضیه بهمین جا خانه میپذیرد ولی برای قطعات ساختمان اینطور نیست زیرا قطعات ساختمان بعد از ساخته شدن تازه وارد مرحله بسیار لطیف و دقیقی میگردد. زیرا این قطعات باید در خارج سوار شوند و بر روی زمین استوار گردند و در این زمینها باید وضع آب و فاضل آب و برق و غیره کاملا روشن باشد. بنابراین برای ایجاد ساختمان های فراوان و ارزان قیمت باید انواع خانه هر اندازه که ممکن است محدود شود و تعداد آن هر اندازه که ممکن است زیاد گردد. در کشورهای در حال رشد برای اجرای برنامه های وسیع ساختمانی باید مشکلات حمل و نقل را هم در نظر گرفت در ضمن تفاوت کشورهای از نظر قدرت اقتصادی و مرحله رشد هم خود مسئله مهمی است که در نوع و طبیعت مصالح پیش ساخته و طرز بکار بردن و متصل نمودن آنها اثر قطعی میگردد و باین ترتیب منطقه صنعتی نمودن ساختمان خود عامل مهم در پیشرفت کار میباشد زیرا این عمل باید هنگام با تکامل صنعتی منطقه و پیشرفت فنی آن پیش برود و کار از مرحله خانه سازی به سمت تهیه انواع ساختمان های صنعتی و اجتماعی و عمومی توسعه پیدانماید.

### تفرقه یا تمرکز برنامهها

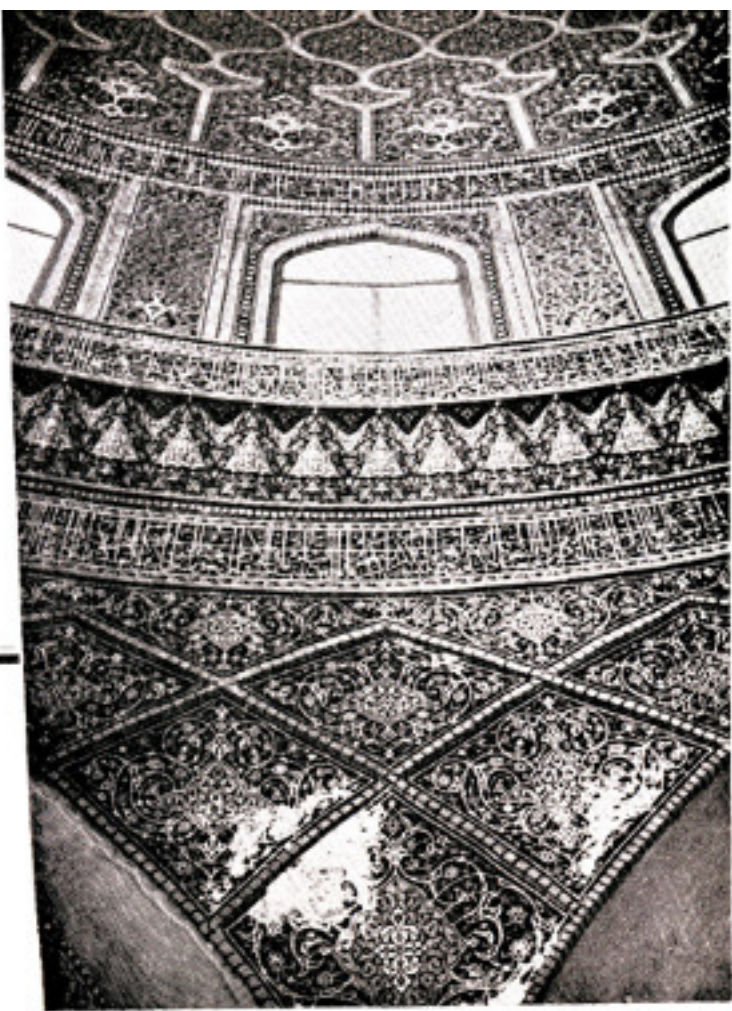
در اینجا میخواهیم بدانیم آیا اجرای برنامه های ساختمانی بطور متفرق ستوده است یا بطور متمرکز؟ آیا کار را باید اشخاص متفرقه انجام دهند یا اجتماع و دولت؟ در کشور های در حال توسعه و رشد جمعیت روز بروز زیاد میشود و احتیاجات از هر نوع روز افزون میگردد در حالیکه درآمدها ثابت هستند و هنگام با توسعه احتیاجات فزونی پیدا نمیکند و با این وضع صنعتی نمودن ساختمان بدون همکاری دولت میسر نمیکردد و وقتی دولت دست اندر کار شد برنامه ها باید متمرکز باشد و برنامه های انفرادی و متفرق فقط در مراکز روستائی مورد توجه قرار میگیرند. بطوری که میدانیم امروز در مناطق روستائی برای ساختن خانه از مصالح محلی استفاده نموده و از روشهای قدیمی کار پیروی میشود. و اما صنعتی شدن ساختمان در درجه اول روشهای قدیمی ساختمانی را بهبود میبخشند و انتخاب مصالح و تجهیزات را بهتر مینماید و کار تقسیم آب و برق و امکان بهداشتی را منظم مینماید. اما دوشهرها مداخله دولت و موسسات اجتماعی و عمومی ضامن حل مسائلی است که در اثر ازدیاد جمعیت و فعالیت حادث میگرددند.

یکی از مسایل مورد توجه در اینجا اینست که کارگران باید در نزدیک محل کار سکونت نمایند ولی گرانی قیمت زمین و اجاره خانه آنها را مجبور مینماید که در نقاط خیلی دورتر از محل کار ساکن شوند و در نتیجه مسئله رفت و آمد پیش میاید و فعالیت کار را متزلزل میسازد و بهای خانه را بالا میبرد. و بطوری که میدانیم قیمت خانه مشکل اساسی کار است درآمدرانه برای کارگران معمولا پائین است مخصوصا برای کارگران غیر متخصص و آنها نمیتوانند بهای خانه خود را پرداخت نمایند و ناچار باید بعنوان مختلف به آنها کمک مالی بشود. بطور خلاصه در کشور های در حال توسعه ساختمان خانه های مناسب با احتیاجات خانوادگی و اجاره دادن آنها به قیمت ارزان به کارگران کم درآمد مسئله اساسی است و این دولت است که میتواند با چنین مسئله ای بمقابله بپردازد در اینجا باید به برنامه خانه سازی توسط خود کسانی که از این خانه استفاده میکنند اشاره کرد. مزایای این برنامه بسیار است و با استفاده از این روش میتوان خانه های بسیار ارزان متناسب با وضع اجتماعی و اقتصادی کارگران کم درآمد تهیه کرد و ضمنا میتوان اینگونه ساختمانها را مرحله به مرحله به اتمام رسانید. خانوادگی که خود در ساختمان خانه مسکونی خود کار کرده سعی خواهد نمود که آنها تمیز نگاهدارد و در زیبایی آن بکوشد در اجرای این برنامه میتوان از قطعات پیش ساخته شده خیلی ساده استفاده کرد و کارگران غیر متخصص را به تعداد فراوان بکار واداشت و بهای خانه را پائین آورد و ساختمان را در مدت خیلی کوتاه به اتمام رسانید.

### نتیجه

برای يك مطالعه اجمالی در مسئله صنعتی نمودن کار ساختمان در کشورهای در حال توسعه باید اذعان کرد که مداخله شهر ساز و کارشناس اجتماعی و ساختمان ساز با توجه به روشهای نو اجتناب ناپذیر میباشد زیرا این کشورها در آینده ترافی فوق العاده خواهند کرد و از مرز متصور برای سال ۲۰۰۰ میلادی نیز خواهند گذشت. مرد متقدم امروزی مخصوصا در کشور های در حال توسعه مجهز بوسایل جدیدی است که بشرط تبلیغ تجاری براو تحمیل شده در صورتیکه ملك اصلی را که خانه باشد در اختیار ندارد. اشیاء جدید و صنعتی بسرعت تمام تکامل پیدامیکنند ولی پیشرفت کار ساختمان خیلی به ملائمت وانی انجام میگردد.

بدون تردید فن جوان صنعتی شدن ساختمان در کشور های در حال توسعه با مشکلات بسیار مهم دست بگریبان میباشد و این مشکلات بطور کلی بامسائل کشور های تکامل یافته و صنعتی متفاوت میباشد. اما در این میان باید توجه داشت که صنعتی شدن ساختمان نباید موجب ایجاد بناهایی بشود که مورد انزجار نسل آینده باشد و آیندگان میل به تخریب آنها پیدا کنند. اتومبیل وقتی از کارخانه خارج شد حرکت میکند و بمیان جمع میرود اما خانه ساخته شده باید سالها در یکجا باقی بماند. اتومبیل همینکه فرسوده شد جای خود را بمدهای جدید میدهد ولی خانه باید طی نسلها مورد استفاده قرار گیرد و زود بزود عوض نمیشود و اینجاست که متوجه میشویم که کارشناسان اجتماعی و اقتصادی و کسانی که ساکن خانه ها میشوند باید نظریات دقیقی در خصوص ساختن خانه های فراوان با استفاده از روشهای صنعتی ایراز نمایند. ما رجاء واثق داریم که ترنی صنعت و استفاده از نیروی مکانیکی روز افزون و ماشین های دقیق موجب خواهد شد که خانه ها و مدارس و ساختمان های اجتماعی بسیار آراسته در دسترس نسل کنونی و آینده قرار گیرد.



توضیح عکس ها  
آقای لرزاده معمار  
در بار شاهنشاهی

از کارهای آقای لرزاده

### گفتگوئی با آقای لرزاده

در موفقیت محدودی روحیه چاکر  
را شاد و با عشق و علاقه بیحد  
انجام نموده و شادمان گردم.

۱- در زمان شاهنشاه ققید  
در کاخ شهوند با چند نفر از رفقای  
خود روی دیوار بسبک تذهیب و  
طرح های سفوی تذهیب نموده ام  
که از آنها میتوان خریدن نمود.

۲- تجدید ساختمان مطروبه  
مجلس شورای ملی و ساختمان  
عمارت تنفس و طالار های شمالی  
پارلمان با طرح های سفوی و  
سوابق ریشه دار طرح های گره  
ساری.

۳- سردر مدرسه دارالفنون -  
رسمی - و گره دست پوش (باامضاء)  
در زمان شهرسازی اعلیحضرت  
شاهنشاه، رضاشاه کبیر .

۴- سردر اصلی بانک ایران  
وانگلیس (بانک بازرگانی فعلی) با  
سقف دست پوش معلق (باامضاء)  
این دو قسمت قالب سازی ندارد  
تمام دستی انجام شده .

۵- ساختمان قسمت بالائی  
آرامگاه فردوسی از طرف انجمن  
آثار ملی به ریاست مرحوم مفتاح  
دانشمند محترم جناب آقای فروغی  
رحمت الله علیه بدریافت نشان  
فردوسی.

۶- ساختمان نمای خارجی  
شرکت نفت قدیم جنب باغ ملی  
(باامضاء) با گواهی نامه های  
متعددی در قسمت هنری.

۷- ساختمان گنبد کاخ مرمر  
و کلیه کاخهایی که در زمان اعلیحضرت  
رضا شاه کبیر در شهر ساخته شد  
در کلیه شئون فنی (غیر از کاخ  
اختصاصی).

۸- کاخ رامسر و کاخ صفی -

آقای لرزاده که عمری در  
کارهای هنری گذرانده اند بنا  
بدرخواست مامورین حال خود را  
برای درج در مجله فرستاده که  
ضمن تشکر عیناً از نظر خوانندگان  
میکفرد.

خدمتگزار از روز اول خود  
شناسی بنام کارهای هنری عشق  
ورزیده مخصوصاً در رشته های  
معماری - نقاشی - خط - شعر  
ولی افسوس که بعد از درگذشت  
پدر اداره امور خانوادگی مانع از  
دنبال نمودن علوم دیگر گشته و  
بهمان رشته ها و شغل پدر وارد  
اجتماع و اندوخته تعلیماتی پدر را  
عملاً اجرا نموده ام و نا حدوثوانی  
در مواقع لازم باندازه بدریوش و  
برسش بی دریغ به دیگران آموختم  
این رسم سابقاً وجود نداشته و از  
آموزش به دیگران دریغ مینمودند.

از هويت چاکر و کارهایی که  
انجام نموده ام سئوال فرمودند  
بشرح زیر از لحاظ عالی میگذرانند.  
نام حسین - شهرت لرزاده،  
فرزند محمد معمارگر - کارهایی که  
انجام داده ام نمیتوانم بطور کامل  
توضیح دهم . مثنوی عقدا من  
کاغذمی شود ولی بطور کلی از  
ساختمانی که ناچار برای اداره  
معبثت بخواسته مردم با بسبک  
غربی (مردن) ساخته ام بی علاقه  
بوده و روحاً بیزارم در ضمن کار  
عالی عم داشته ام که میتوانست

شبهستان - بودعصر ولایت عهد ایران  
و قسمت دیگر مسجد اعظم قم می  
باشد که ماموریت داشته ام ضمن  
کارهای اداری تحت نظر حضرت  
آیت الله بروجردی انجام وظیفه نمایم  
پس است اگر بخواهیم و بنویسیم  
طومار خواهد شد.

البته در بین خدمات طولانی  
خود مورد تشویق هم واقع شده و  
تاکنون بعنوان فردانی نفع دانی که  
قابل آنها نبوده و سیاستگزارم شده  
است . اول نشان فردوسی از دست  
مرحوم فروغی بعنوان جشن هزار  
ساله فردوسی چون یکی کند کسی  
پاداش کن ای آخر، دوم نشان  
علمی از اداره آموزش عالی وزارت  
فرهنگ - سوم نشان و تشویق نامه  
های دیگر از مقامات وزارتی - و  
همچنین دریافت نشان از مدرسه -

کمال الملک در زمان خدمت در  
مدرسه والینه ناگفته نماند در ظل  
توجهات ملوکانه ، خدمات داخلی  
این جانب همیشه مورد عنایات  
شهریاری بوده و تاکنون بدریافت  
مدال و نشان های متفرق واحکام  
مربوطه که بتوشیح ملوکانه رسیده  
و تفقد فرمودند قابل و مفتخر تعداد  
آنها بالغ بر ۵ مدال است ؛ مدال  
درجه ۱ نشان ۵ عیایون - نشان  
۵ تاج نشان ۴ عیایون - نشان  
۴ تاج.

آباد غیر از کارهای جاری املاک،  
۹- خدمات اجتماعی خود را  
در ساختمانهای عام المنفعه مدارس  
و درمانگاه ها در تهران و شهرستان  
ها معرفی نمی نمایم شاید بهتر  
باشد.

۱۰- بیشتر مساجدی که با  
بسبک شرقی در تهران و شهرستانها  
که اغلب سر راه واقع شده و قابل  
ملاحظه است مانند : مسجد سجاده  
چهارراه فروردین - مسجد زهیم  
خیابان منریه - مسجد امام حسین  
میدان شهناز - مسجد لرزاده  
خیابان لرزاده - مسجد مهدیه  
شوش خیابان ری - مسجد عاجز  
در بروجرد - مسجد کرمان -  
مسجد رفسنجان - مدرسه نجف و  
تعمیرات عتیبات عالیات - مسجد  
تهران پارس و هنرسرای عالی و  
میدان بروجردی و غیره که نمی-  
توان شماره آنها را ذکر نمود در  
ضمن کارهایی که با ماموریت انجام  
داده ام بشرح زیر است :

۱- تعمیر مدرسه عالی سپهسالار  
که قسمت عمده آن ساختمان مقرنس  
کاری و بودی بندی و رسمی بندی  
و محراب زیر گنبد است که از سال  
های ۲۲ شروع شده و قسمت اعظم  
آن در زمان تولد ولیمید گرمی  
بوده است که برای تاریخ آن بنظر  
سروده ام. بگو تاریخ این زیبا

شکل ۱

10

11



## دنیای پلاستیک

اخیراً اعضا انجمن معماری لندن تحقیقات جالبی در مورد کاربرد پلاستیک در ساختمان ارائه داده‌اند. این گروه معتقدند که اصل استفاده از پلاستیک به‌سیاس وسیع مورد قبول و استفاده عامه قرار گرفته است.

این وسائل از هر قبیل مانند قابیتهای ماهیگیری ژاپنی - ژاکت نجات بادی قابیتهای نجات و مخزن نگهداری گاز و انبار غله می‌باشد.

وقتی بخواهیم از پلاستیک جهت ساختمان استفاده کنیم آنرا تحت دو قسمت طبقه بندی می‌کنیم.

۱- ساختمان های پان‌لایه‌ای که بوسیله هوا نگهداری می‌شود.

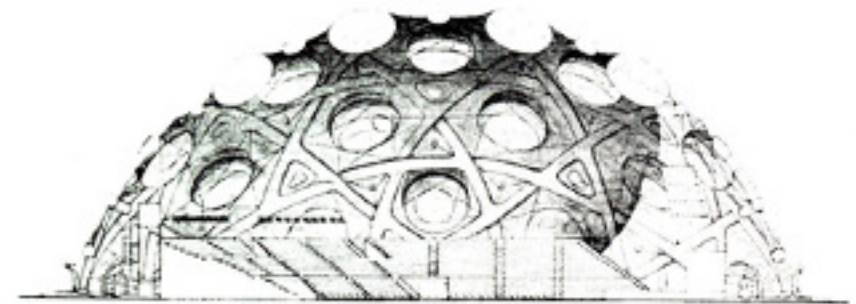
۲- ساختمان‌هایی که تمام قسمت های آن مانند بادکنک باد می‌شود.

در نوع دوم غشای قابل انعطافی اطراف ساختمان را احاطه کرده که درون آن را مایع سیالی پر نموده و باین ترتیب می‌تواند فشار خارجی را تحمل نموده و در مقابل عواید سنگین عکس‌العمل نشان می‌دهد.

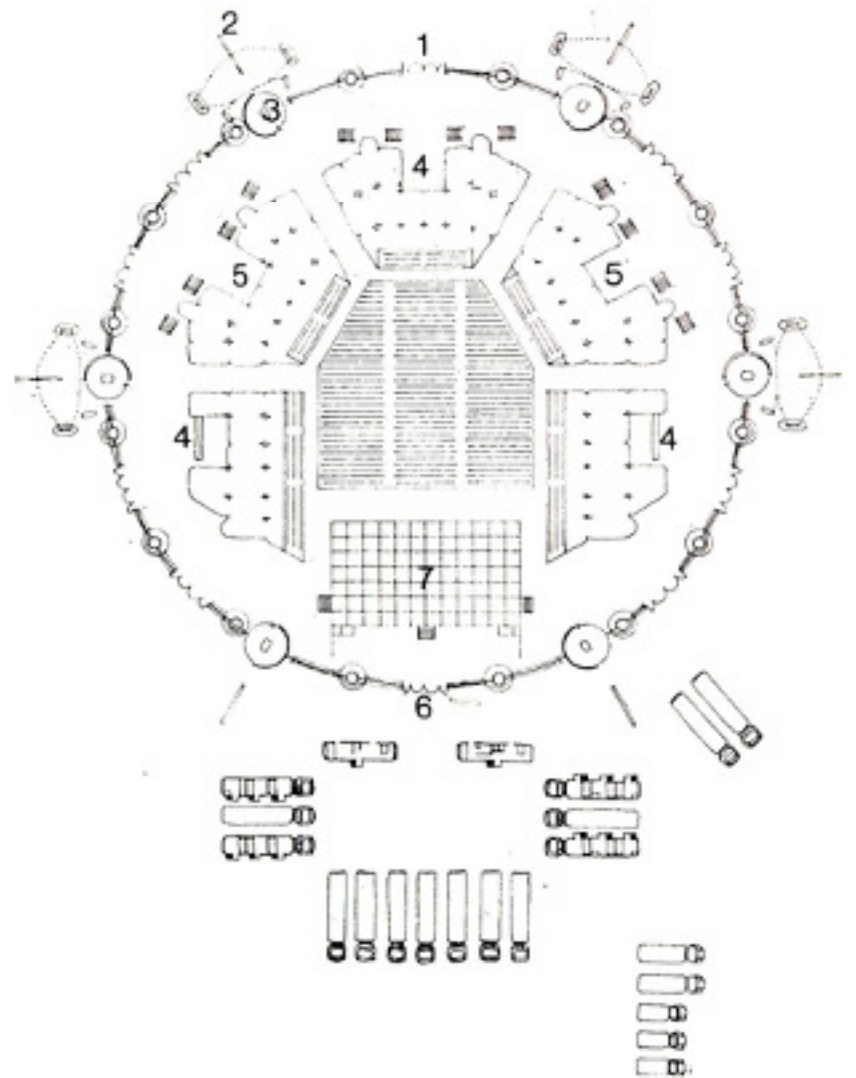
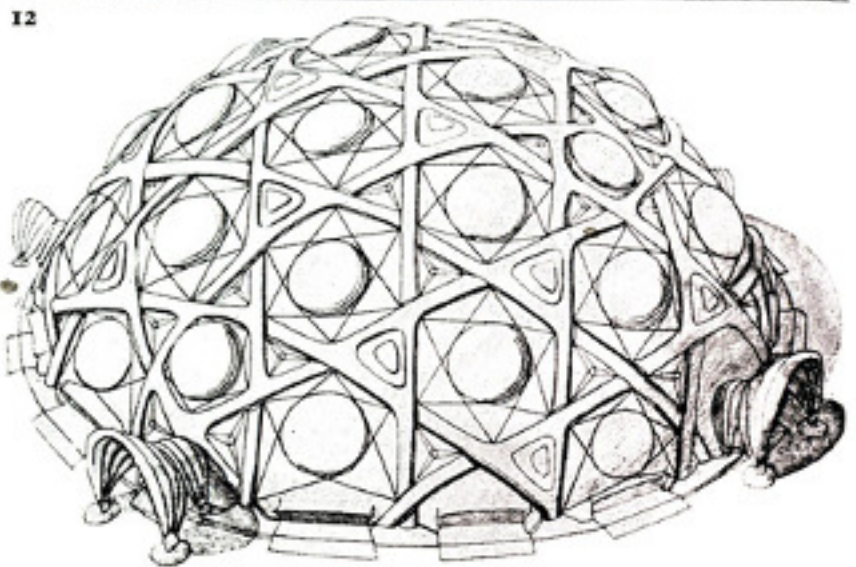
تجزیه و تحلیلی که در باره جناب های صابونی میشود مربوط به این نوع غشاهایی می‌شود که تحت فشار یکسان و یکنواختی قرار میگیرند.

این قبیل طرح‌ها بدون هیچگونه پیوستگی با تئوری هندسه اقلیدسی می‌باشد البته از نظر طرح ظاهری ممکن است شبیه یکی از اشکال هندسی باشد اما از نظر ساختمانی آنها رابطه‌ای با علم هندسه ندارند.

در این قبیل ساختمانها ایجاد جایی که از هوا پر شده باشد بسیار ضروریست.



12



۱- خروجی

۲- ورودی

۳- محل فروش بلیط

۴- ساعت

۵- بار

۶- ورودی اصلی

۷- سن



ساختمان پلاستیکی اکواریوم در باغ وحش بروکفیلد  
شهر شیکاگو

- |     |                   |     |                    |
|-----|-------------------|-----|--------------------|
| a - | اطاق بچه‌ها       | a - | فضای آرام          |
| b - | « بازی »          | b - | کتابخانه           |
| c - | « مهمان »         | c - | فضای روی‌اطاق خواب |
| d - | « روبه‌باغ »      | d - | حمام               |
| e - | گلخانه            | e - | اطاق کار           |
| f - | سر سره            | f - | تراس               |
| g - | چادر              | g - | اطاق آفتاب         |
| h - | اطاق دره‌وای آزاد | h - | اطاق زندگی         |
| i - | استخر زمستانی     |     |                    |

این محفظه دارای امکانات ترکیب حجم‌های محدب بوسیلهٔ وصل نمودن تشکها و پوششهای سخت و متکم میباشد. این تشکها وقتی باد میشود دارای ابعاد مساوی میگردند. این اشکال مانند هر ساختمان پلاستیکی دیگر قابل‌حمل میباشد. رویهم تا میشود دارای وزن بسیار کمی میباشد وزن هر متر مکعب آن تقریباً ۷ کیلو گرم است.

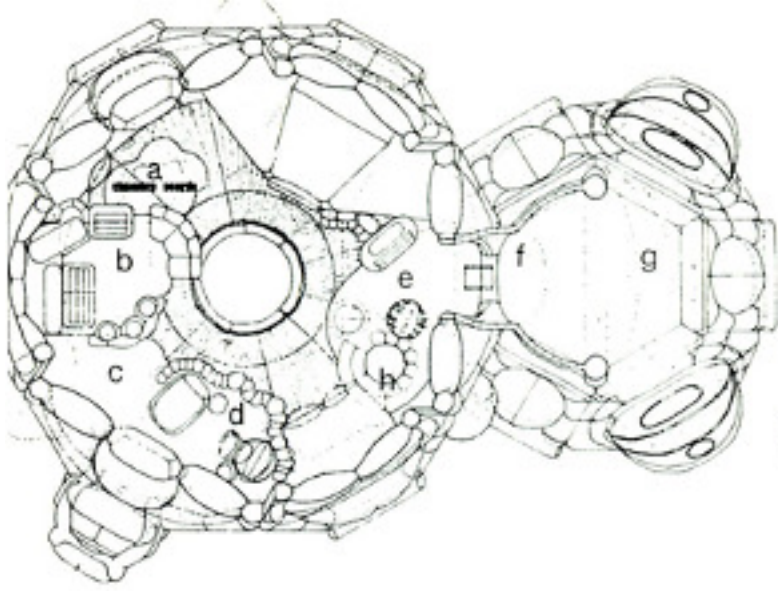
این محفظه دارای حمام - کتابخانه - آشپزخانه و اطاق آفتابرو برای استراحت و اطاق خنک و جایگاه مطالعه میباشد. وسائل آسایش و سایر لوازم نامین ساکتین محفظه پلاستیکی بوسیله جریان هوا و آب و گاز هلیوم و غیره تامین میشود و دارای جدارهای روشن و کدر میباشد.

۱- جایگاهی است متحرک و قابل حمل و نقل برای ۵۰۰ تماشاچی.  
فضایی سرپوشیده باکنجایش ۵۰۰ نفر برای دیدن برنامه‌های سیرک - ورزش - سینما - تئاتر و همچنین استماع سخنرانی و موسیقی.  
استراکچر اصلی گنبد ازلوله های برآزباد تشکیل شده است.

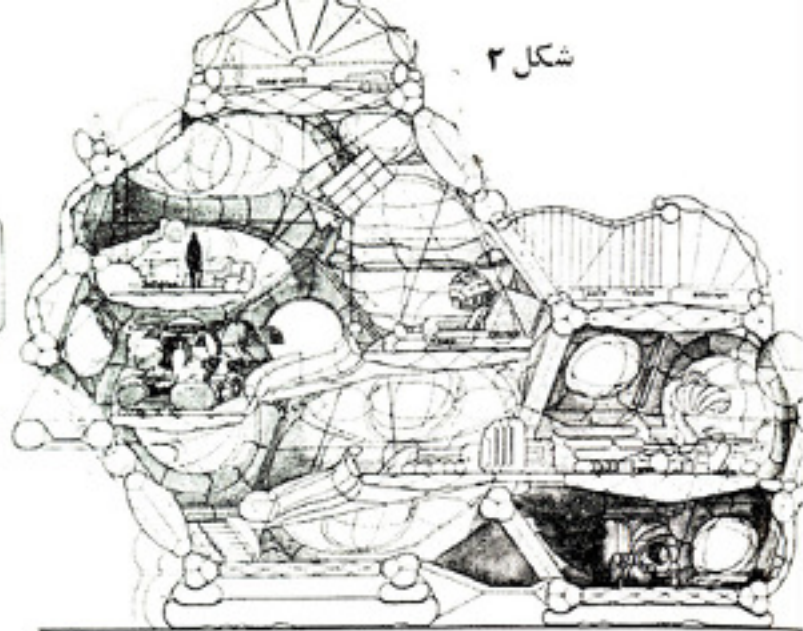
۲- محفظه ایست آویزان و ثابت شده بر روی زمین برای مناطق پربرف - زمین هایریشیب و فراز که فاقد جاده های هموار باشد. همچنین مناطق بباد شدید. محفظه کثرتسطوحی است که کاملاً باد میشود.  
استخوانبندی - پوشش - کف - دیوارها - تجهیزات و لوازم دارای امکانات کامل برای سکونت میباشد. ونهونه آزمایشی از یک مسکن پلاستیکی است.



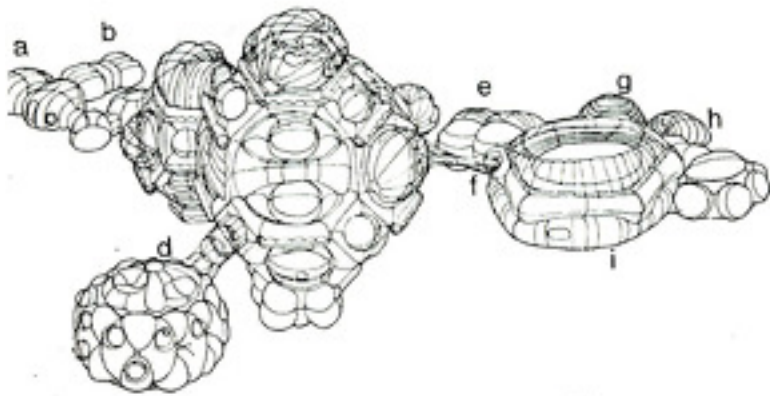
غرفه اتم برای صلح طرح از ویکتور لاندی این غرفه در تهران نیز به نمایش گذاشته شد



6



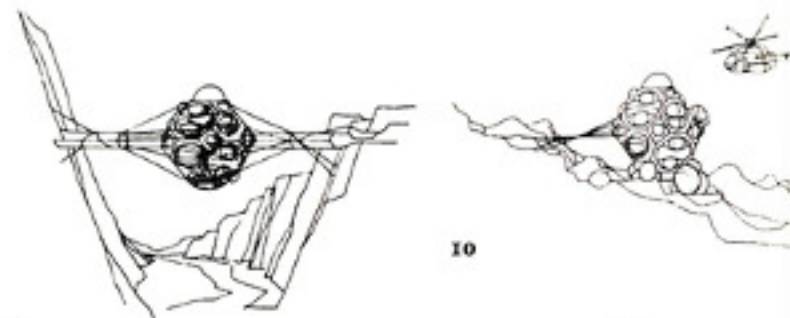
7



8



13



9

10



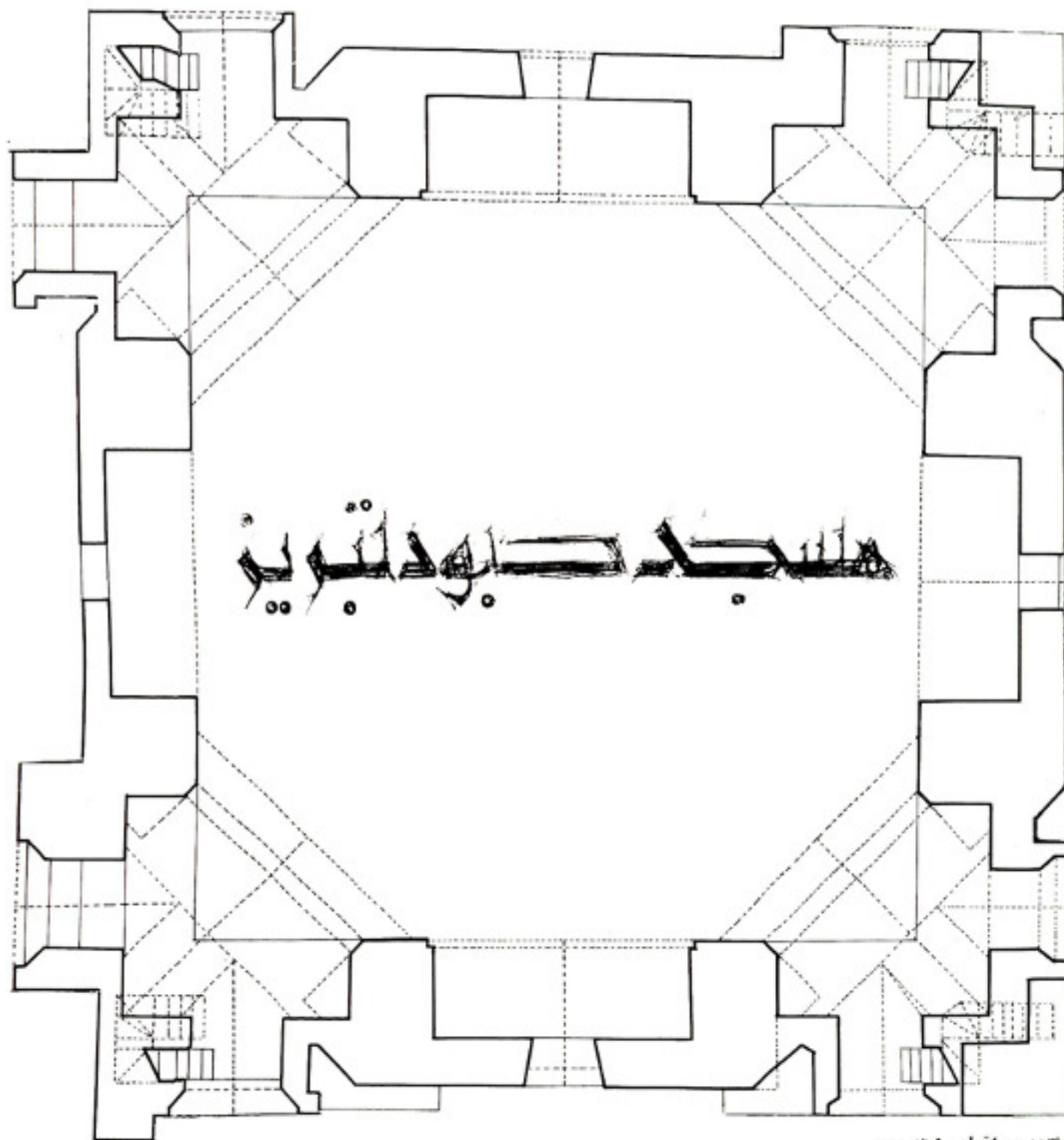
12



11

14





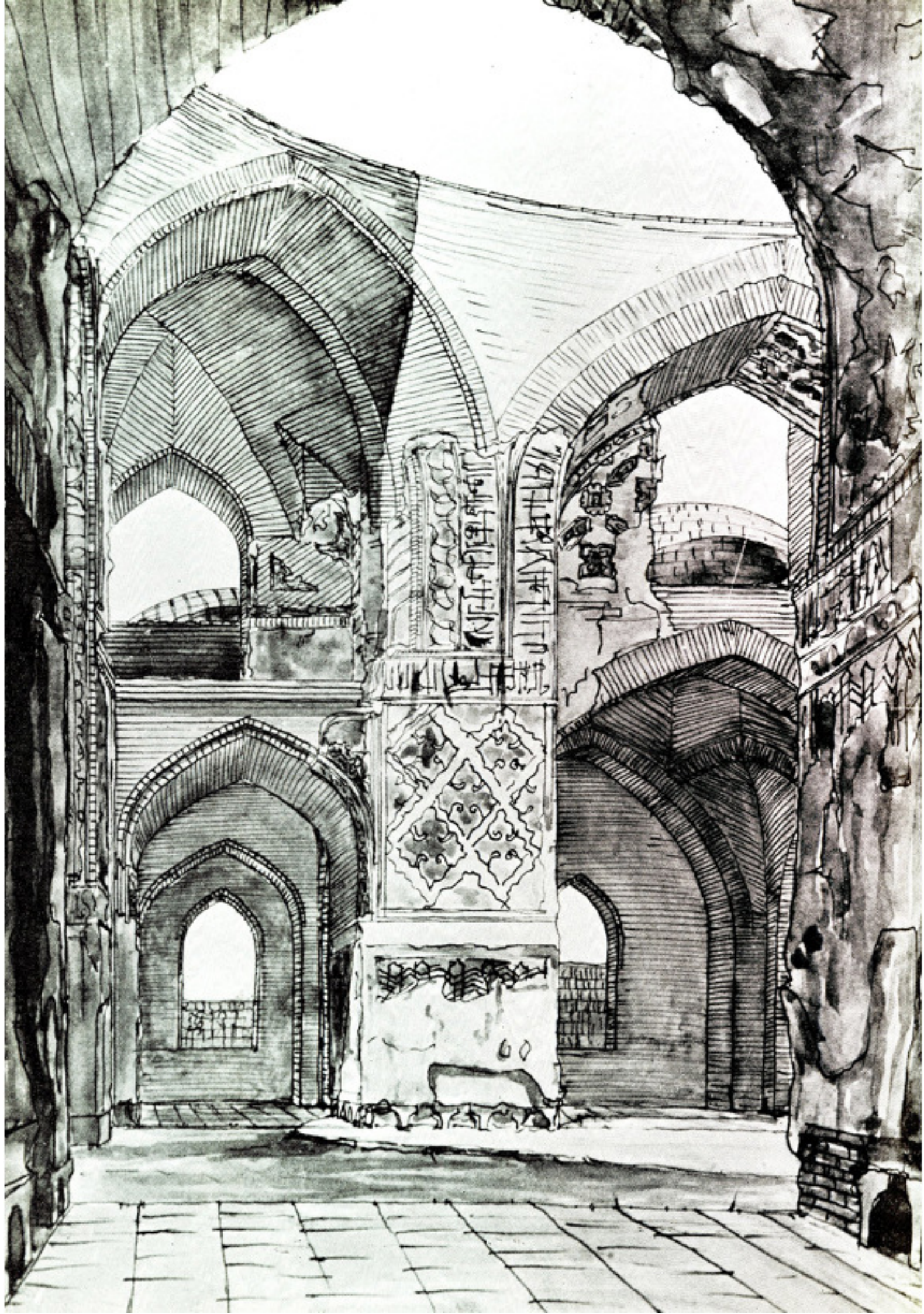
نقشه رواقهای طبقه دوم

# مسجد کبود شیراز

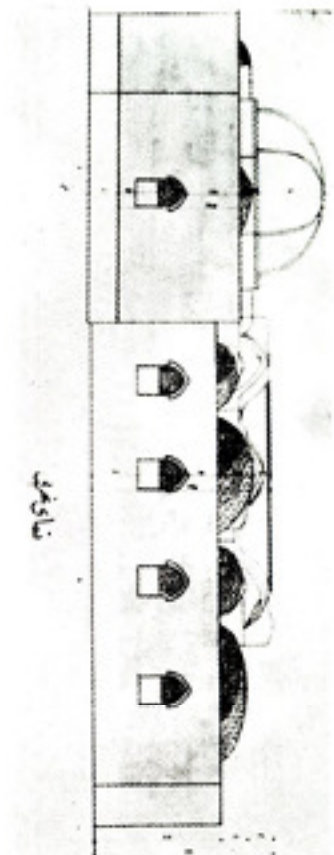
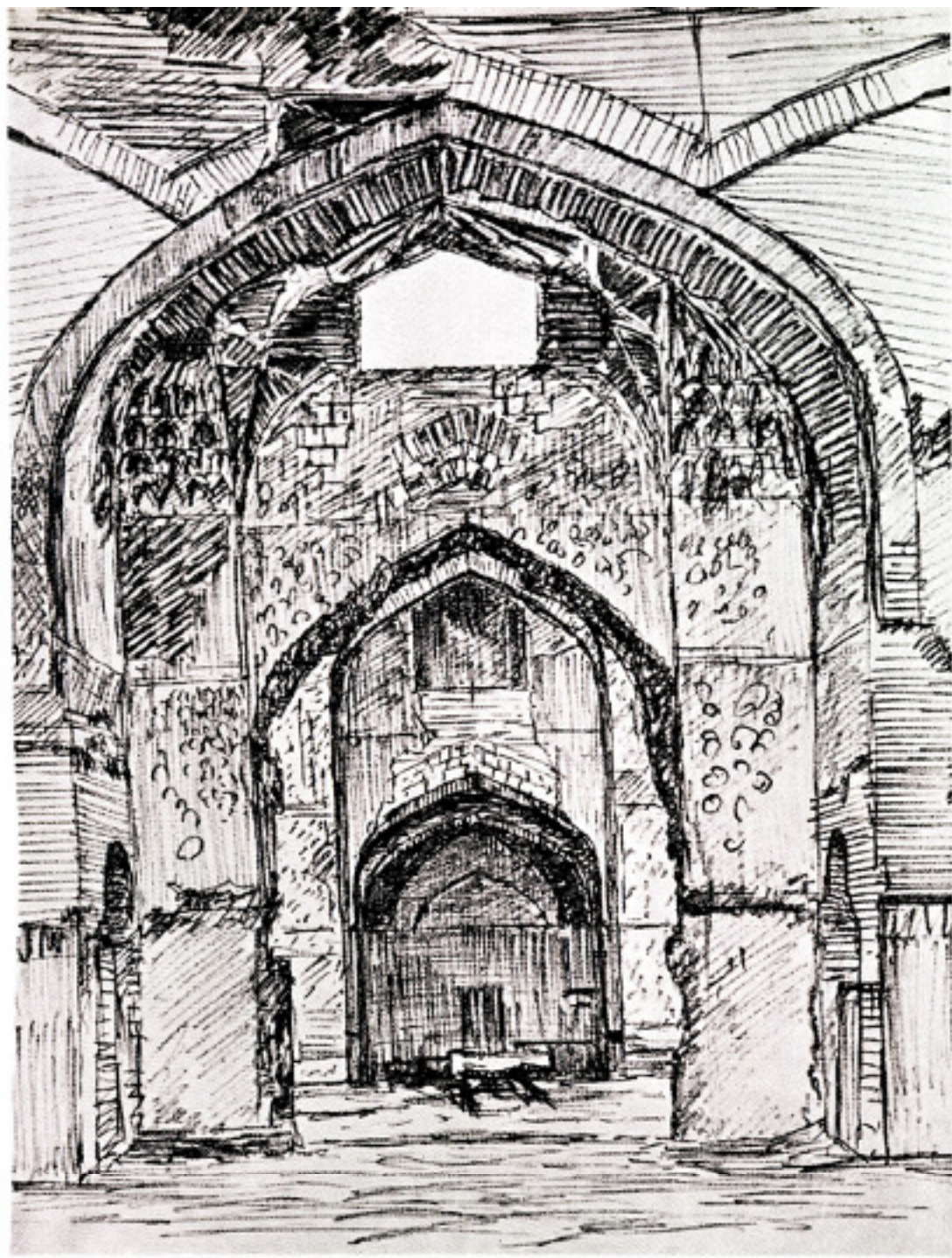
از سنگهای مرمر شفاف و کاشی معرق نفیس تزئین شده است. اکنون از این بنای عظیم و نفیس که در زمان خود از نظر معماری و معرق کاری شاهکاری برنظیر بوده است جز سردرو چند چرخ و پایه های شبستان و سنگهای مرمر و قطعاتی از کاشی معرق چیزی باقی نمانده است.

کتیبه معلوم میگردد که مسجد در ماه ربیع الاول سال ۸۷۰ هجری ساخته شده است. ساختمان سردر و دو مناره آن دارای رواق گنبدی داری بوده که متصل به شبستان اصلی مسجد که در زیر گنبد بزرگ قرار داشته میشده است در طرفین رواق شبستانهای متعددی ساخته شده که هر کدام دارای طاق گنبدی شکل بوده است. دیوارهای مسجد با روکشی

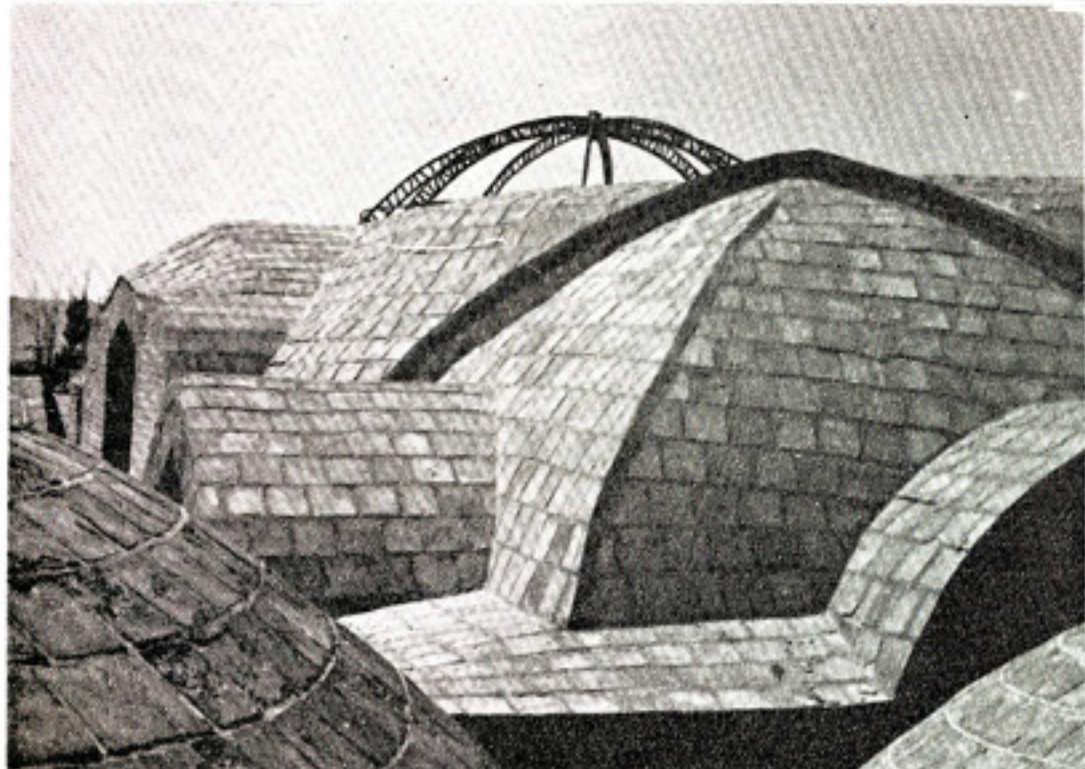
مسجد کبود سبب تاریخ ۱۶۹ مسجد کبود از ابنیه زمان جهان شاه فرعونیلو و متعلق به نیمه دوم قرن ۹ هجری است. سردر اصلی مسجد نمونه ممتازی از تزئین کاشیکاری می باشد در این سردر معرق کتیبه ای بخط رفاع در متن لاجوردی و زمینه سفید نصب شده که از عالیترین مظاهر زیبای کاشی معرق دوره اسلامی میباشد از مفاد باقی مانده



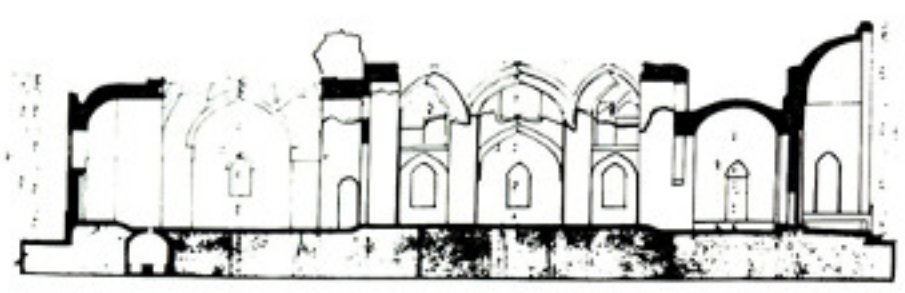
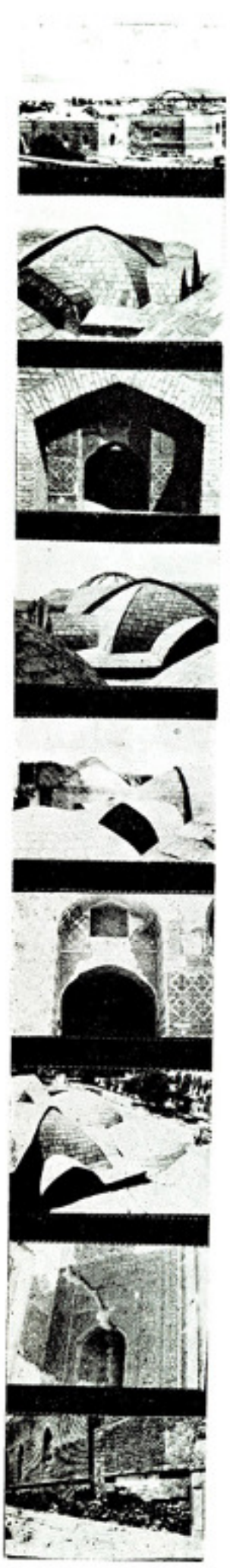




تاور

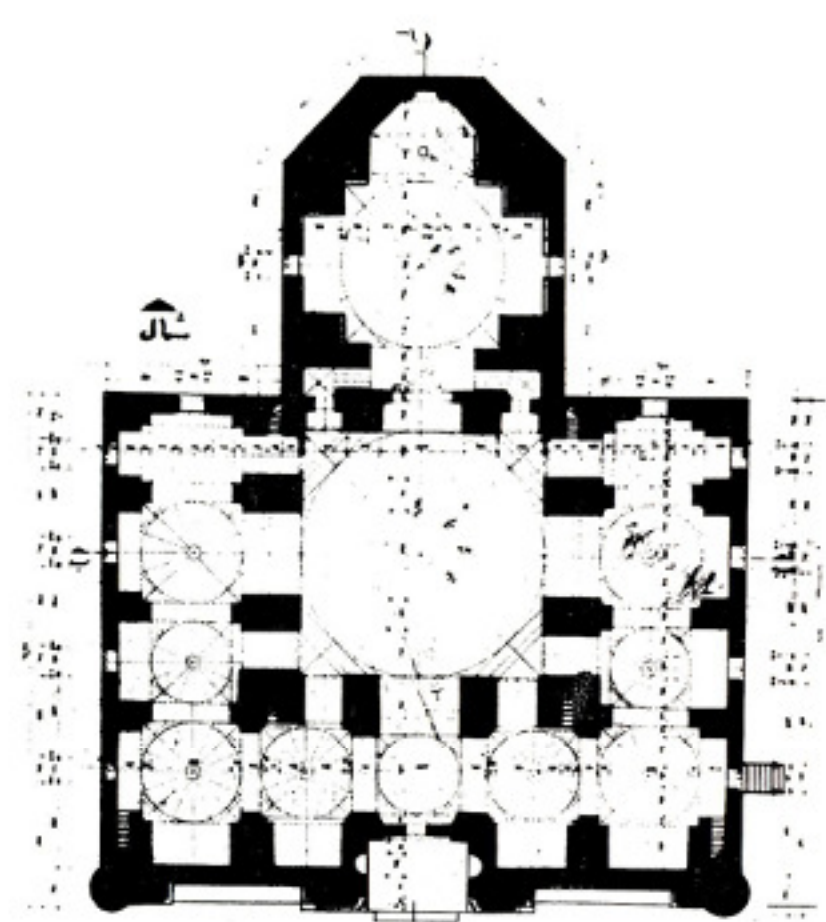


۱- طرحی از قسمت ورودی  
 منتهاییه مسجد  
 ۲- عکسی از پشت بام مسجد



منطقه آ

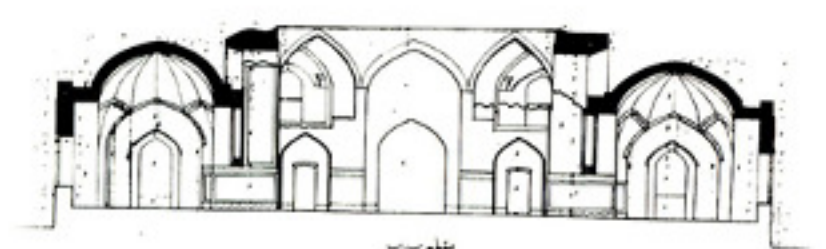
مقطع طولی



سال

پلان طبقه تک

نقشه طبقه اول



منطقه ب

مقطع عرضی



آیا هنر فقط آثار زیبا را دربرمیگیرد و اگر کسی زیبایی بیافریند هنرمند است، یا اینکه اثر هر چند که زشت باشد باز می‌تواند جزو زیباییهای هنری بشمار آید. اگر می‌گوئیم هنرهای زیبا آیا هنرهای نازیبا هم وجود دارد؟

همه اینها مستلزم تحلیلی از هنر و زیبایی است زیرا آنچنان برای هنر تعاریفات مختلف وضع کرده‌اند که تجزیه و تحلیل دقیق زیبایی و هنرکمال ضرورت را پیدا کرده است. بنابراین برای شناخت هنر بحث مختصری را راجع به زیبایی‌شناسی آغاز می‌نمایم. عده‌ای زیبایی‌شناسی را حقیقی میدانند که بطور مستقیم مورد بحث این علم واقع میشود و این حقایق بردونوعند:

### اول احکام وجدانی (Aesth Judgments)

درباره لذت و الم .  
دوم هنر (ART) و محصولات آن .

موسس حقیقی زیبایی‌شناسی کانت است که برای زیبایی‌شناسی دو نظریه ابراز داشته است. یکی نظریه درباره جمال و جلال و دیگری بحث در ماهیت هنر و روش طبقه بندی هنرهای زیبا. کانت زیبایی را با تعبیر لذت مستقیم و خالص که از مشاهده صورت اشیاء و نسبتهای موجود میان آن‌ها تولید میشود تعریف میکند و جلال را عامل لذتی میدانند که در موقع مشاهده شیئی که حواس را بحیرت مبادازد (یعنی شیئی که حس از درک عظمت و قوت آن عاجز می‌ماند) دست میدهد. فلسفه هنر این نکته را روشن ساخته است که اثر هنری اثری است که در نفس انسان مفهوم جمال و زیبایی را بیدار میکند. بطور کلی موضوعاتی که در علم زیبایی‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرند بدو دسته تقسیم میشوند. یکی بحث درباره اشیاء مطبوع و نامطبوع و دیگری بحث درباره آثار هنری که میتوان گفت دنباله آن بحثی است که پیشینیان درباره (فلسفه زیبایی) و فلسفه هنر داشتند. آیا زیبایی فقط در کار هنرمند وجود دارد؟ زیبایی نه فقط در کار هنرمند وجود دارد بلکه زیبایی در طبیعت هم وجود دارد بنابراین احکام زیبایی علاوه بر کارهای هنرمند شامل طبیعت هم میشود. اگر به علم زیبایی‌شناسی از جهت احکام مربوط بان و مخصوصا از لحاظ زیبایی هنر نظر کنیم آنرا معیاری می‌یابیم برای توصیف و تشریح آن دسته از شرایط خارجی که لازم است در شیئی وجود داشته باشد تا آن شیئی از لحاظ زیبایی مطبوع باشد.

در نتیجه تحقیقات تجربی و آزمایشهای Fechner موجود زیبایی‌شناسی تجربی محقق گردیده است که در احکام ذوقی نه تنها اثر فردی و شخصی دخالت ندارد و خلاف قاعده‌ها و استثنائاتی در آن مشاهده نمی‌شود بلکه توافق نظرهای عجیبی وجود دارد. فشنر برای تحقیق زیبایی‌شناسی سه روش تجربی اصلی را تشخیص میدهد:

۱- روش انتخابی. در این روش از میان یک دسته از اشکال هندسی مانند دایره، مربع، مستطیل آنرا که مطبوعتر است انتخاب میکنند.

۲- روش تولیدی. در این روش ایجاد هرگونه شکلی است که به بهترین وجهی از طرف سازنده آن مبر است.

۳- روش تطبیقی. این روش توضیح احساس زیبایی است از چند موضوع هنری که در زندگی هنری مورد استعمال دارد.

از این روشها مشاهده میشود که کار فشنر بیشتر ترجیح چیزهای مطبوع است نه زیبایی. دانستیم که علم زیبایی‌شناسی از زیبایی و هنر بحث میکند. مسلم شده است که

زیبائی‌شناسی مانند منطق و اخلاق علمی است دستوری. همانگونه که منطق درست فکر کردن و اخلاق دستور درست عمل کردن را میدهد زیبایی‌شناسی هم ارزش موجودات را از نظر زشتی و زیبایی معین می‌کند و قاعده‌ای بدست می‌دهد.

اصولا زیبایی‌شناسی پربهتر از زشتی است و بدینوسیله شاهکار هنری را از کارهای ناقابل هنری تفکیک می‌نماید بنابراین لازم است تعاریف زیبایی را بشناسیم.

بعضی‌ها می‌گویند زیبایی جزئی از زندگی عمومی است و یا کلیه شاهکارهای ادبی و هنری را تجسماتی از انواع زیبایی میدانند و یا اینکه می‌گویند زیبایی نیروی سحر آمیزی است که در انسان‌ها عشق و دلدادگی می‌آفریند بنابراین هر تعریفی برای زیبایی وضع شود دالبر موجودیت عینی آن خواهد بود. اما باید زیبایی را بطور کلی ایده‌نسی

## زیبائی و هنر

دانست. زیرا زیبایی بر حسب اختلاف اقوام و افراد هم تفاوت دارد ممکنست شیئی از نظر دسته‌ای زیبا و از نظر دسته دیگر نازیبا باشد گاهی چیزی را زیبا می‌پندارند و زبان به تحسین آن می‌کشایند ولی درجات این تحسین در زمان و مکان و باوضع و حتی تعدادی افراد تغییر می‌کند و بستگی بعوامل متعددی پیدا میکند در هر اثر زیبا صورت و محتوی بهم یافته شده‌اند بطوریکه زیبایی هر اثر در ارتباط صورت و محتوی آفت.

گرچه در این امر بحث‌های فراوانی وجود دارد که از حوصله این مقال خارج است ولی مسلم آنکه دانشمندان میخواهند آنچه را که تنها جنبه احساس شخصی دارد جدا کنند و فقط بان جزء قابل محاسبه جنبه علمی به‌بخشند و تحقیق آنرا بعهده بگیرند این موضوع تا چند پیشرفت خواهد داشت بحثی است که آینده بان جواب خواهد داد در لذت زیبایی‌شناسی هم حواس و عقل دخالت دارد آنچه که در زیبایی‌شناسی علاوه بر احساس (که برای همه یکسان نیست) صلاحیت و خیرگی است و بطور کلی عامل خیرگی گذشته از تبحر و فضایل بیش از همه ذوق است که مارماموتل آنرا چنین تعریف میکند (ذوق این شم روحی این قوه‌جلی یا اکتسابی برای درک و ترجیح زیبایی یک قسم غریزه‌ایست که قواعد را قضاوت میکند در صورتیکه خود تحت قاعده‌ای نیست) اما ذوق خوب هم باید لطیف و مطمئن باشد. لطیف یعنی احساس صفات و رموز طبیعت. مطمئن یعنی تشخیص سریع بدون تردید. علم زیبایی‌شناسی دارای قوانینی است که البته این قوانین را نباید بعنوان قواعدی صریح و تحمیلی دانست بلکه ذوق سلیم علاوه بر قوانین که بتدریج روشن‌شده و مورد قبول واقع گشته است از راههایی بطریق خاص خود استفاده می‌نمایند. بطور کلی زیبایی‌شناسی بادمی لطف‌دیدن و احساس زیبایی (خاصه زیبایی نیکو) را می‌آموزد.

از آثاری که برای این نوشته استفاده شده است.

- ۱- زیبایی‌شناسی علی‌نقی وزیر
- ۲- زیبایی دکتر کاویان
- ۳- مرزهای طبیعی هنر خیر
- ۴- جمال‌شناسی اوزواکد کولیف ترجمه احمد آرام
- ۵- ارتباط هنر و زیبایی اسج



# از معماری تاشهرسازی

ترجمه از: م - الف

نوشته: Kenzo Tong

## از معماری تا شهرسازی

وقتی به طرز آشنائی ام با مفهوم معماری و شهر سازی نگاه میکنم می بینم که اولین تصورات از آنها بصورت تماس های فونکسیونل بوده یعنی به فونکسیون بیشتر توجه داشته ولی خیلی زود مسائلی مهمتر از آن برایم آشکار شد و شروع کردم به تفکر درباره کارکرد دیوونی و بیرونی نقشه شهر هیروشیما و باغین راهانی برای بوجود آوردن فضا های بیرونی و فضا های اجتماعی که با کارکرد بیرونی مربوط میشدند . همین مسائل در بلده طرح شهرداری ترکیه و ساختمان مرکز اداری کاکاوا نیز صادق بود .

با توجه به محدودیت هایی که تماس های فونکسیونل پیش می آورد ، برای برقراری رابطه و تطابق مطمئن بین کارکرد و فضا نهایتا باید به کارکرد ، بصورت بررسی اهمیت داد ، بلکه به همین اندازه نیز باید به تطابق فضائی توجه شود . رسیدن به چنین تطابقی مهمترین صنعت اختصاصی ما در تماس فونکسیونل مسائل میباشد . این مطابقت نمودارچیزی از همبستگی فونکسیونل بین « فکر » و « ابزارکار » است که قسمت هایی از شهر را بوجود می آورد و از این راه ما می بینیم که فضا و شکل ، نمونه های گویایی برای بیان شخصیت های فردی در فونکسیون بوجود می آورند .

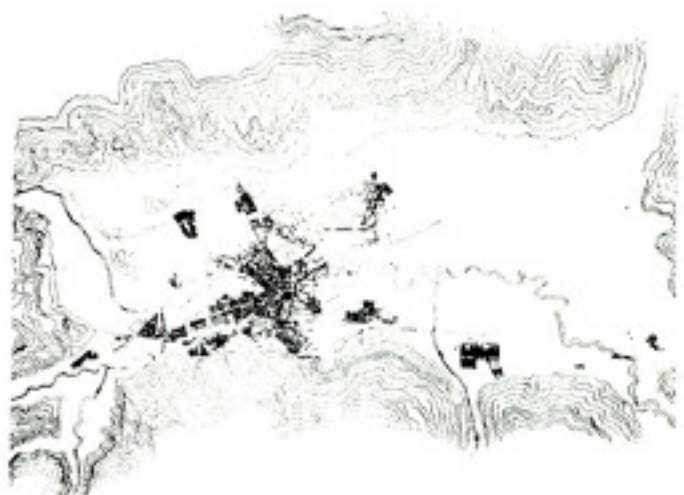
ما این نحوه بیان را تاحدی

در « استادیوم ملی » و در کلیسای « سن ماری » شهر ترکیه نشان داده ایم . در احداث این بنا ها ما روش مشخص بکار بردیم ، آموزش پیلوتی ها که اثر اجتماعی کارکرد خارجی با فضای اجتماعی مینامیم برای مشخص کردن همبستگی بین اجزای فونکسیونل که خودالمانهایی هستند در شهر و سایر المانهای شهری اگر بیش از این مسئله را گسترش دهیم ، به مسائلی برخورد خواهیم کرد که بنظر میرسد تنها با تماس فونکسیونل حل نخواهد شد و می بینیم که علاوه بر « کارکرد » احتیاج داریم که به فضا نیز ساختمان دهیم . بنابراین روش میشود که گسترش کار ساختمان فضا روش اصلی طرح شهر میباشد .

### فضا بعنوان محیط ارتباط :

اگر با این سؤال مواجه شویم که چه چیزی به فضا ساختمان میدهد ، میتوانیم جواب دهیم که این چیز « ارتباطات » است با توجه به این که اشیاء و مردم در حال حرکت هستند ، میتوان تصور کرد که « ارتباط » عامل تغییر پذیری است . همچنین ممکن است روش ارتباطی قابل رویش هم داشته باشیم که فی المثل هیچ چیز در آن حقیقتا حرکت نکند . منظور ما از ساختمان دادن به معماری و شهرسازی ، فرم دادن به کار های ارتباطی و حرکات از طریق فضا ها است اگر چه تا حالا تصور ما از فضا مکانی برای زندگی یا کاربرد ولی نمیتوان فضا را با چنین نمونه های ساکن مشخص کرد . نمایانند عوامل فضائی

### ۱۹۶۳ - قبل از زلزله و ویران شدن شهر



باید از راه تفهیر پذیری و تحرک «مردم» ، «اشیاء» و «ارتباطات» انجام شود . پس از گذشتن از این مرحله بمواردی برخورد می کنیم که فضا مانند یک چیز سمبولیک ، شکل میگیرد و به همین جهت میتوان آنرا حوزه های ارتباطی سمبولیک نامید . وسائل ارتباطی از جمله پایه هائی است که بصورت مختلف براساس آنها ما به فضاهای داخلی شهر ها یابنا های پیچیده و پهنادر فرم می دهیم .

ما در پیشنهادمان برای شرکت در مسابقه بین المللی «تاسیسات بهداشت جهانی» و در طرح «ساختمان شهرداری کوراشیکی» بوسیله فضا های ارتباطی بصری به تمام چیز ها فرم ساختمان دادیم در طرح کویهای نوینیا که بوسیله بعضی از شاگردان **Mit** ارائه شده و همچنین در طرح «گروه خانه های روی آب» که ما در سال ۱۹۶۰ برای شهر سوکبو تهیه کردیم نیز از همین روش پیروی شده است . با این همه ما مطمئن هستیم که باید در افکار خود در جهت شناسائی «فضا» بنام «حوزه ارتباط» تجدید نظر کنیم . همانطور که پیش از این بیان شد شهر سازی بدون عبارتست از دادن فونکسیون و ساختمان فضائی به یک مجموعه . وقتی به ساختمان های نمونه ، فونکسیون مشخصی هم بدیم قورا «کارکرد» قابل رویتی بوجود میآید که دارای عینیت خواهد بود اگر این نظر را دنبال کنیم بی میبیریم که از راه «شکل» علاوه بر اینکه میتوانیم فونکسیون فیزیکی فضا را بیان کنیم ، همچنین به بیان غیر فیزیکی هم خواهیم رسید . در این مرحله ، هر فضای مشخصی از فونکسیون خود بیانی سمبولیک خواهد داشت . بنابراین ما باید به موضوع بطور سمبولیک بپردازیم .

شکل دادن به فضا واقعا متضمن یک طریقه فکر کردن سمبولیک است پدیده های سمبولیک ، برای شکل دادن به فضا و توسعه درونی طرح و فهماندن به مردم ، مفید و سودمند است . ما از بکار بردن این روش در طرح **Skopje** فراوان بهره بردیم . برای نمونه ، انتخاب کلمه **City Gate** با دروازه شهر علاوه بر بیان مفهوم

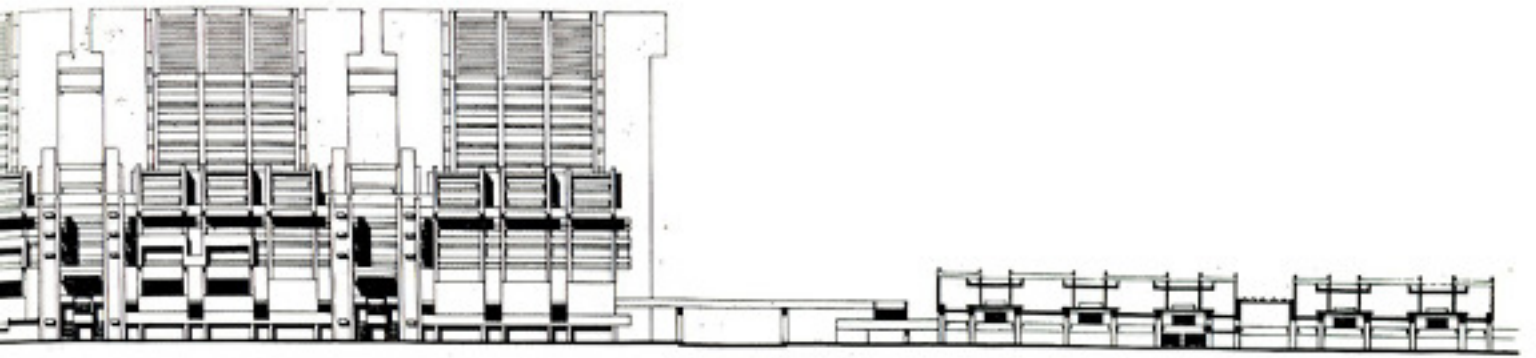
فیزیکی فضای دروازه ، در فکر مردم رسوخ میدهد که از راه این فضا به شهر **Skopje** وارد خواهند شد و طرحی به این نام ، موقعی قلع خواهد بود که مردم شهر آن را رد کنند . همینطور درباره انتخاب نام حصار شهر یا **City Wall** که کلمه سودمندی است ، برای عدهای این فکر پیش آمده بود که کلمه حصار **Wall** مناسب نیست و ما می بایست آنرا حذف میکردیم . اما مردم شهر با این کار مخالف بودند . همین مسئله مرکزی به فکر ما داد و بی بردیم که چه کلمه ای میتواند بطور سمبولیک شهر را مجسم کند . آن عده حلا بطور ناطع به ما می گویند که کلمه حصار نباید حذف شود . ما از راه تجربه یاد گرفته ایم که برای بیان هر مسئله سمبولیک باید به تظاهرات ساختمان فضائی محیط ها اهمیت داد .

\* شکل دادن به فضا و واقعا متضمن یک طریقه فکر کردن سمبولیک است .

\* پدیده های سمبولیک برای شکل دادن به فضا و توسعه درونی طرح و فهماندن به مردم خطیر و سودمند است

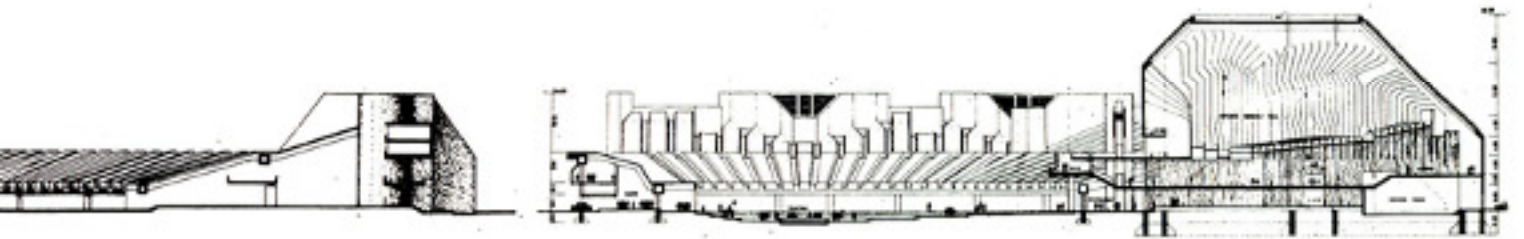
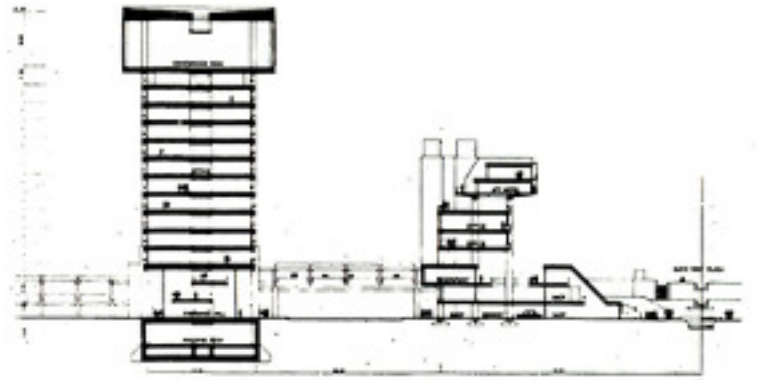
\* ما از راه تجربه یاد گرفته ایم که برای بیان هر مسئله سمبولیک باید بتظاهرات ساختمان فضائی محیط ها اهمیت داد .

\* از راه عزم علاوه بر اینکه می توانیم فونکسیون فیزیکی فضا را بیان کنیم ، همچنین به بیان غیر فیزیکی هم خواهیم رسید .



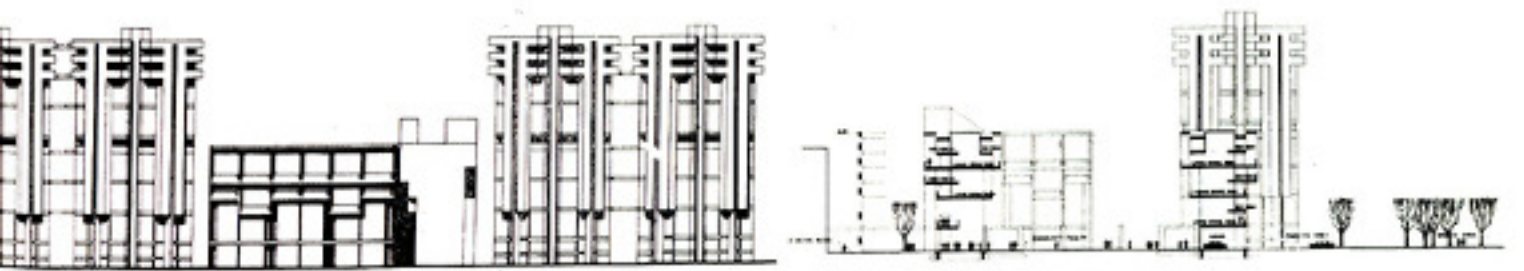
2

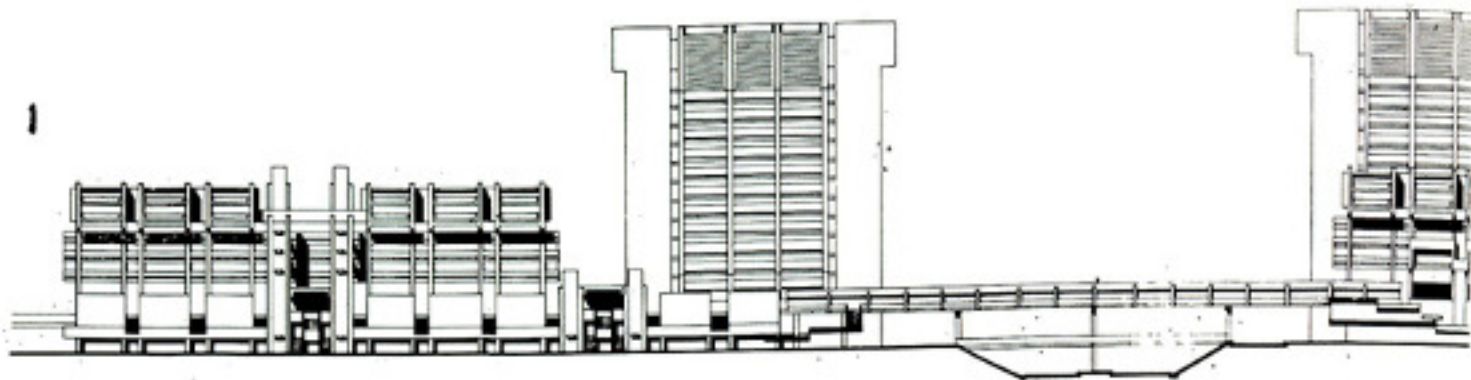
f



v

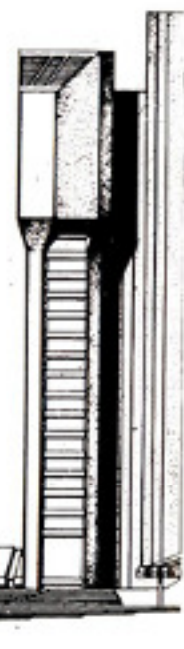
10.





۲

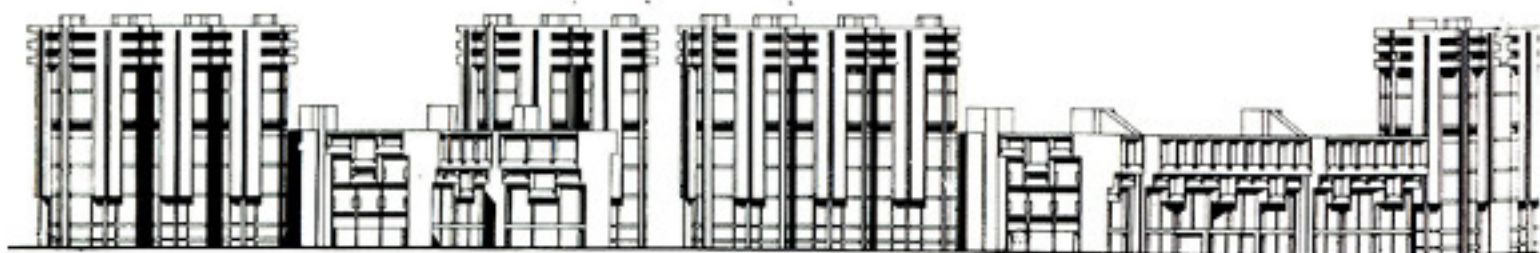
- ۱ - نمای دروازه شهر
- ۲ - ساختمان دروازه
- ۳ - مرکز حمل و نقل
- ۴ - مقطع دروازه شهر
- ۵ - نمای میدان جمهوری
- ۶ - برج ساختمان اداری
- ۷ - قسمت انبار ها
- ۸ - نمای حصار شهر
- ۹ - حصار شهر
- ۱۰ - مقطع حصار شهر
- ۱۱ - مقطع مرکز اجتماعات
- ۱۲ - مرکز اجتماعات



۸

۱۲

۹

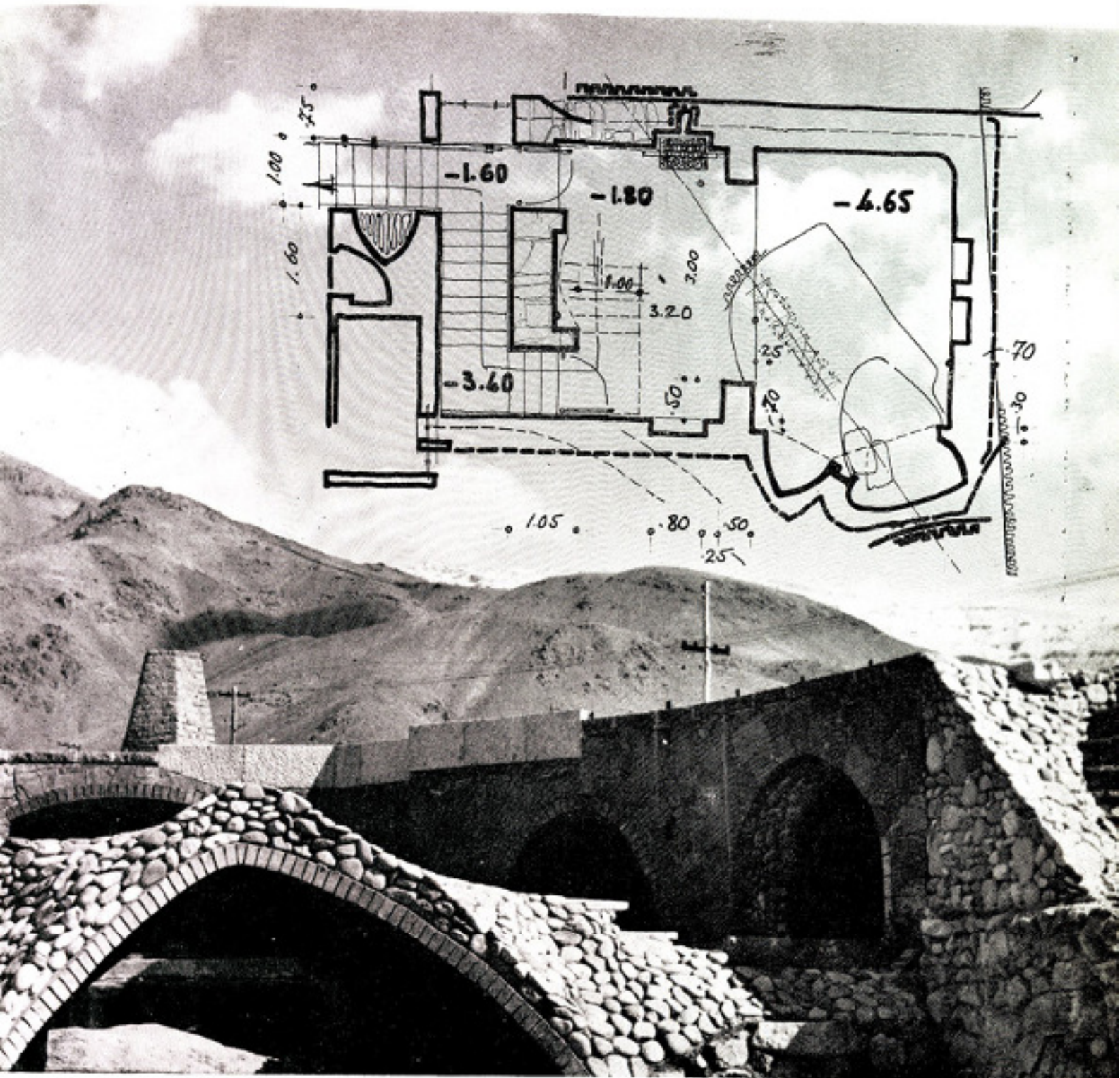


۹









پاکنه واقع درمنظریه

گفته گوئی بامهدی علیزاده

## سؤال :

شما برای حل مشکلات معماری ایران و یا هر کشور دیگری به راه حل های اقلیمی و محلی معتقدید یا راه حل های جهانی.



## توضیح عکسها

در این مجموعه از عکسها که در اختیار هست دست کم ما می توانیم کوششی برای بدست آمدن يك تكنيك مشترك را ببینیم اگرچه بنظر من کاملا قابل تطبیق بانگشکی که ما در حال حاضر می توانیم داشته باشیم نیستند .

نمونه این کوشش ساختمانهای است که به ترتیب ساختمان خیابان تخت طاووس است (در سال ۱۳۴۴) و اولین سری از این کارها است که صرفنظر از تکنیک روش آن که در دو کار دیگر نیز ملاحظه می کنیم سعی و کوشش برای جواب دادن به يك زندگی کاملا اندرون بیرونی است .

کار دوم که در تاریخ تقریباً همزمان با کار فوق بوده و در خیابان شاه عباس گیر است با حفظ اصول تکنیک مشترك جوابی است برای حل زمین هایی که طول آن در جهت مشرق و مغرب است و بدست آوردن آنچنان فضا هایی که از بهترین نور و یا تهویه طبیعی که هر دو در جهت شمال و جنوب است بوجود آورده باشد .

## جواب :

موضوع جهانی و اقلیمی بودن فعلا تقسیم درستی نیست چون معماری واقعه ایست برای زندگی دسته ای از مردم که در يك محدوده جغرافیایی ساخته میشود حالا اگر روزی زندگی مردم جهانی شد خواه ناخواه معماریشان نیز جهانی خواهد بود.

من فکر میکنم معماری یا موضوع معماری در وحله اول دو چیز مشخص و روشنی از هم هستند یکی آن چیزی است که از میان فزون و اعصار دور دست نمودار میشود یا باز میماند مثل آنچه که شاید سالهای آینده از ما خواهد ماند و یا آنچه که امروز برای ما مانده. از آنهایی که بیشتر از ما راجع باین فن اطلاع داشتند و کار کرده اند من فرق زیادی بین این دو می بینم یعنی حتما این تقسیم بندی را در معماری باید معتقد بود و معمارانیکه من خیال میکنم در وحله اول معماری ایست که وجود دارد بین مردم نه آنچه که بصورت آثاری از يك جامعه باز میماند معماری آن زندگی است که در يك فاصل زمان بین مردم محیطی می گذرد. بابطور خلاصه اینکه معماری آنچه هست شکل میدهد و خود خلاق زندگی نیست چه ما نمی توانیم حدس بزنیم که سالهای بعد چه امکانات تکنیکی را موجب خواهد شد و یا زندگی بطور تغییر خواهد کرد. البته ممکن است که از نقشه های قابل تغییر استفاده کرد که برای مدت بیشتری قابل استفاده باشند ولی وسائل معمولی مانع از چنین طرحهایی را توصیه نمی کند این برای وقتی خواهد بود که از تکنیکهای نیرومند برخوردار باشیم از کادر های قفسی مجهز و مجرب در هر يك از موارد ساختمان.

باین ترتیب ما باین موضوع باید متوجه بشویم که برای جواب باین نکته وظیفه ای را که من خیال می کنم فن شهر سازی برای ما تعیین میکند توجه کنیم . گو اینکه کمتر امیدواری میتوان داشت بآنچه شهر سازها امروز در دنیا میکنند چه هنوز آنها خودشان در جواب مسائل و مشکلاتشان صرفنظر از آن که راه حل های متفاوت پیشنهاد میکنند هنوز در گیر و دار مسائلی هستند که حل نشده است. پاره ای

از آنها آنچنان تصویری از یک شهر امروزی ارائه میکنند که آدم فکر میکند بعد از يك مدتی شهری را باید گذاشت و رفت.

اینجا مطلبی هست این است که ببینیم آنچه که از معماری یا شهرسازی و زندگی مردم مربوط است چه تاثیری بر معماری خواهد گذاشت. فرض کنیم ما میدانیم که امروز معماری امکانات فنی و وسائل متفاوتی را پیدا کرده است که البته من بعدا راجع بآنها شاید موردی که پیش بیاید و با سؤال مربوط تری مربوط باشد اشاره کنم. و همینطور کسی گویا سخنرانی میکرده راجع بسکنهای متحرک . فکر کنید وقتی خانه از يك چیز ثابت درمی آید و به آنچه که زبرش چهارتا چرخ است و حرکت میکند تبدیل میشود ما میتوانیم حس کنیم معماری آن چیزی که بعنوان ساختمان هست ممکنست دچار چه تغییر و تحولی بشود. البته این موضوع اینرا نمیرساند که ما باید صبر کنیم ساختمان سازیم و ناظر باشیم که چه گسائی چه طرح هایی را پیشنهاد خواهند کرد تا ما هم عینا آنرا بسازیم در هر حال توجه باین نکات بنظر من راه آدم را در تفکر راجع بساختن روشن تر می کند.

مسلم است اگر ساختمانهایی بوسیله دسته ای ، و یا فردی از معماران امروزه ساخته شود بالاخره موزه هایی هستند که قسمتی از این آثار را برای آیندگان نگهدارند. ما نباید از این بترسیم که در سالهای آینده قهرمان نیستیم و کسی ما را با انگشت نشانه نمی کند چون قهرمانی همیشه قهرمان بودن نیست.

ولی در هر حال قسمت اعظم ساختمانها و پایک ساختمان عمر بیش از ۲۵ یا ۳۰ سال ندارد باین ترتیب من خیال میکنم قبل از هر جنبه ای ما باین شکل از معماری باید توجه کنیم که چیزی است گذرا و دیر پا نیست آنچه که در معماری دیرپا تر است زندگی است نه وسائل و تکنیک چون اینها چیز هایی هستند که همیشه دستخوش تغییر میباشدند.

سؤال: مسلماً شما میدانید که امروزه بین معماری مغرب و اجتماع شکاف عمیقی موجود است و نمونه های ساخته شده ام از معماری و شهرسازی ناموفق بوده و اغلب معماران هم بساختن ویلا و ساختمانهای بزرگ اکتفا کرده و به اجتماع ماشینی توجهی نکرده اند شما برای حل این مشکل چه راه حلی پیشنهاد میکنید؟

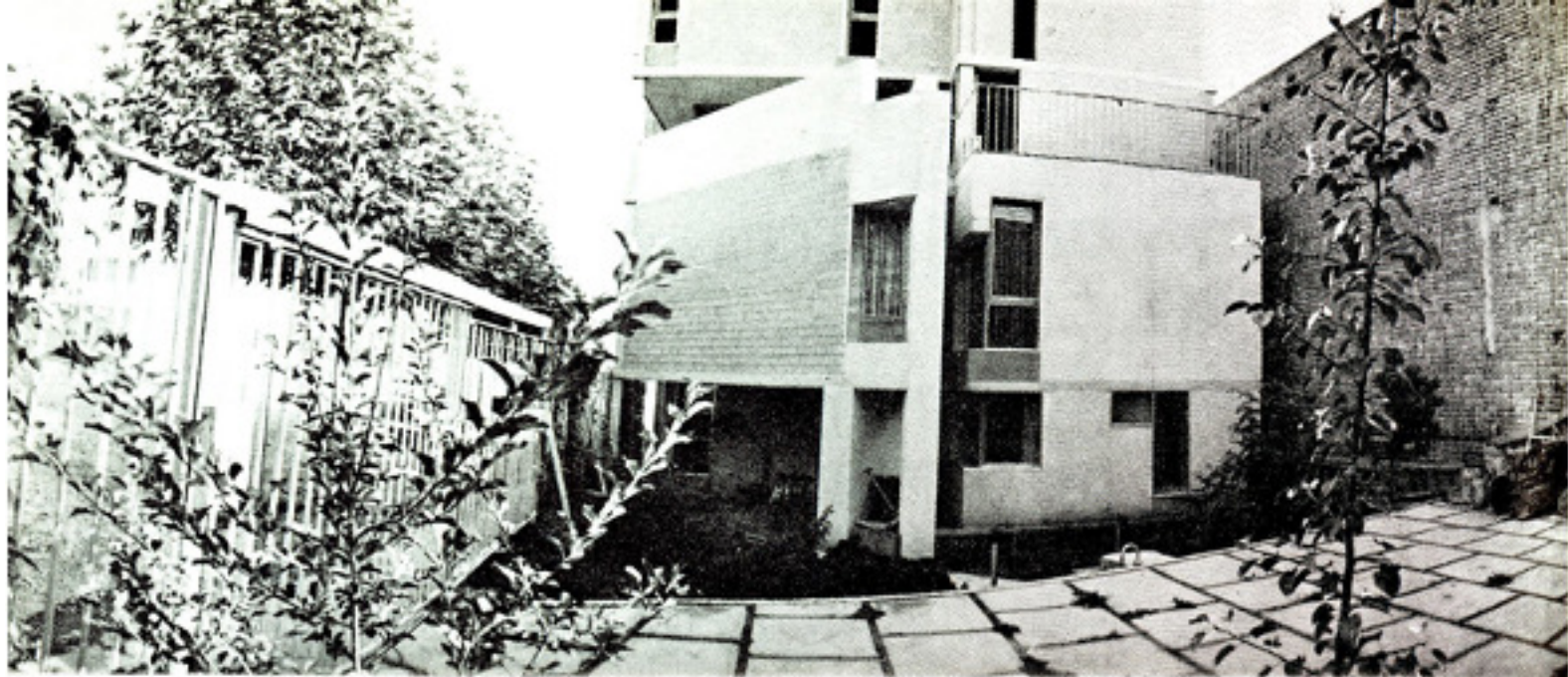
جواب: بنظر من موضوع موفق بودن ساختمان نیست آن بعد از اطلاع از سن يك عده از مردم و ارتباط آن با معماری بدست خواهد آمد خاصه که ممکن است ما معماری را خوب بشناسیم ولی اقتصاد جامعه و مسائل موجود آوردنش را در اختیارمان قرار ندهد چون مدیریتی که جهان را خارج از خصوصیات و مشرب های مختلف سیاسی که تشکیل دهنده آنند اداره میکند از آنچنان قوانین خود بخودی پیروی میکند که مایل است معماری آنچه میخواهد باشد نه آنچه هست. باین ترتیب برای توده ای مردم آن نصیب خواهد شد که در اختیار هست بعلاوه ساختمان برای آنهایی میشوند که توانگرند.

برای سؤالی که جامع شرایط است يك جنبه انتقادی مربوط میشود که اگر ما بخواهیم نقطه نظر آن گرز بی امان رستم نباشد، چون من يك چنین سلیقه ای را در نقد نمی بینم، اولاً از يك جهت هیچ معماری بتنهائی نمیتواند تمام ساختمانهایی را که در دنیا است یا هیچ تیمی نمیتواند تمام ساختمانهایی را که در دنیا هستند یا در يك کشور یا در يك شهر بسازد. خواه ناخواه همه معمارها باید در محیطی کار بکنند ولی آنچه که بنظر من اینجا مهم است و کمتر شما روی آن تکیه کردید و شاید اصل مطلب باشد آن ارتباط معماری است با مردم من خیال میکنم قیل از اینکه مابجهائی بودن این موضوع و با آنچه که در دنیا شده توجه کنیم باید بی اندیشیم که اگر معماری در محیط ما توفیق ندارد در وحله اول مربوط بسنخ فکری است که بین آدمها و معمارها و مردم رواج دارد ما مردمی هستیم فردی که هر کدام دور یک واحدی زندگی میکنیم و بین يك واحد دیگر فاصله زیاد هست معمار ما خوب حس میکند که چقدر آنها و جدا فکر میکند و همانطور صاحب يك خانه ای چقدر راجع بساختنهایی که فکر میکند تنهاست و با اصطلاح جدا از کسان دیگر است من خیال میکنم چیزهایی را ما باید جستجو کنیم و نشان بدهیم که این مطالب مربوط بهم هستند یعنی موضوعات مربوط بهمند و بعد آن موضوعات مربوط

بهم را قضاوت کنیم و ارزش بپوشیم پیدا کنیم که چیزی در جهت این موضوعات مربوط بهم میتواند توفیق داشته یا نداشته باشد. در این مورد نقش مهم مربوط به سنت است، سنتی که از زندگی مردم ناشی میشود و در معماری تاثیر میکند. من خیال میکنم در وحله اول باید توجه زیادی به تکنیک باشد ما اگر خوب نگاه کنیم بان ساختمانهاییکه الان در تهران مثلا من باب نمونه ساخته شده در پاره ای نقاط برمیخوریم به يك دوره ساختمانی مثلا نهضت تراورنی یا نهضت آجر بومی یا نهضت های دیگر وقتی مصالح بهم زیاد نزدیک شده اند بيك گروه از ساختمانهایی که حتی از طرف مهندسين مختلف انجام شده دلت میکشیم يك هماهنگی وجود دارد که ناراحت کننده نیست چیزی که من خیال میکنم در معماری امروزه تسوی این مملکت مایه ناراحتی است آنچه فرقا و چیزهایی که بین سلیقه های افراد هست نیست. این تکنیک های متفاوتی است که اینها ارزش استفاده میکنند که هیچ کدام کامل نیست، هیچکدام پخته نیست، هیچکدام از این تکنیکها نمیتواند توی این مملکت بيك تکامل رسیده باشد باید اذعان کرد که ما وسائل و امکانات، مخصوصاً وضع اقتصادی کافی که قادر باشد مقداری از وسائل وسیع کار را پیش ببرد هنوز در اختیار نداریم. بدیهی است اینکار زمان کافی لازم دارد تا تدریجاً به نتیجه مطلوب برسد. فکر میکنم در شهری از دیار های دوردست چرا هماهنگیهای زیادی بین ساختمانها می بینیم علتش معلوم است چون اقتصاد و آنچه که در آن جامعه وجود دارد در يك دوره و با دريك فاصله طولانی يك سلیقه خاص و مشرب خاصی را رهبری میکند این است که خود بخود اثر میگذارد در معماری و آنچه که بوجود میآید هماهنگ میشود.

البته من از عامل آگاهی در اینجا نمیخواهم چشم پوشی کنم که آگاهانه يك فرد هم میتواند کارهایی بکند ولی حقیقت مطلب اینست که ما باید ببینیم چه چیزی باوسعت بیشتری ممکن است در يك محیط رخ کند و ما میدانیم هیچ چیز در يك وسعت

زیاد در محیط ما نمیتواند رخ کند چون هیچ چیز باوسعت بزرگی گسترش ندارد. هیچ تکنیکی با وسعت بزرگ در محیط ما رشد و نمو نکرده. باین ترتیب من خیال میکنم شاید با شناخت مصالح و تکنیکها اگر راه حلهائی پیدا بشود که معمارها را با آن آشنا کنیم البته در صورتیکه زمینه های اقتصادی مملکت هم در این مورد کمک کند. مسلماً حل مسائل فنی متضمن ابتکارات نیز هست که جدا از تکنیکهای اجرا است، مثل خنک کردن ساختمان و با دفع آب باران با سلیقه خاص همینطور در ارتباط با سؤالی شما بارها می بینم که از معماران ما انتقاد می شود که آدمهایی هستند مقلد و زیاد تقلید میکنند و از فرنگیان متارائد و پالاینکه معمار باید نو آور باشد. البته هستند کسانی که معماری برایشان تجارت اطلاق است ولی معماری که ابداع و اختراع نیست البته آن معماری فردی که آزما برای سالهای دور آتی بیادگار میماند بجز آن ابداع است ولی معماری واقعی گذراست و اقیهه ایست بسیار ساده و به همین ترتیب معماران هم که نمیتوانند نوآور باشند و تقلید از گذشته نیز بکسان رفتنهای نیاز دارد که راه استفاده از آنرا بگویند چه آنچه هست مبهم و برای معماری امروز نارساست. اگر تسوی این محیط کار خوبی یا مصالح خوبی یا هرچیز خوب مشخصی وجود داشته باشد تقلید از آنها آن اثر مطلوبی را که در زندگی يك شهر، زندگی يك محیط، در زندگی يك خانه لازم است خود بخود بوجود میآورد. پس باین ترتیب من باین نتیجه میرسم که شناخت يك سری تکنیک و مطالب و موضوعات دیگری در این زمینه بیش از هر چیزی موثر خواهد بود در اینکه کارها بروال و زمینه ای کشیده شود که انتقاد بان شکل خاص ارزش کنار گذاشته بشود. مطلب دیگری که با این موضوع مربوط میشود موضوع سنت است که با موضوع ساختمان و ساختمان کردن و آنچه که يك فرد را در استفاده از این سنتها مشخص میکند در رابطه میباشد. شاید بی ربط نباشد اگر بگویم که هنوز درك نشده سنت در معماری ما چه چیزهای روشن و واضحی



سوال : در بین گفته‌هایتان به تکنیک واحد قابل قبول اشاره فرمودید آیا اگر ایران روزی يك تكنيك پیشرفته درست پیدا کند میتوان امید داشت که بیک معماری همانک و مناسب رسیده‌ایم و آیا اصولا میتوان تمام مشکلات معماری را در تکنیک خلاصه کرد و همینطور آیا میتوان کشوری را یافت که با دست یافتن به تکنیک مدرن موفق به حل مشکلات معماری توده های مردم شده باشد ؟

است . خیال میکنم در این مورد کوششی باید بشود تا يك تفسیر دقیق از يك زندگی ایرانی و آنچه که بعنوان سنت در آن وجود دارد نشان داده شود و بعد ما برداریم باینکه تا بزرگترین سنت در این معماری به چه شکل است و چطور اثر میکند و چه تاثیر هائی بجا میگذارد.

جواب : همانطور که گفتم در حال حاضر معماری برای مردم مورد نظر شما بوسیله مدیریت جهانی انجام میشود و ارتباطی به سنت و مقبولیت آن از طرف مردم ندارد و همینطور من خیال میکنم قسدم از تکنیک این نبوده که يك همانگی را توصیه کنم ، يك همانگی در زندگی را ، چون این چیزی که شما میفرمائید به يك همانگی در زندگی مربوط میشود اولاً من ضعف را در این میدانم که در شهر سازی که امروزه انجام میشود تفکر یکی است ، یعنی يك فرد و یا يك دسته برای زندگی مردم فکر میکنند ، علت عدم توفیق در اینجاست نه در سیر کولاسیون و مطالب دیگر . یعنی مجموعه تفکر چون مربوط بیک فرد و یا يك تیم هست خواه ناخواه نمیتواند همه سلیقه های مردم را که شامل زندگی مردم است در خود جمع کند علت عدم توفیق این موضوع ها در اینجاست ، مطلبی را که من قسدم بود اینست که ما برای مقابله با این معماری فردی این فردینی که بین ما رواج دارد و برای اینکه این اثر نامطلوبی را که در معماری امروز این شهر و این مملکت بجا گذاشته که همه جاذبه های مشتاقش می بینیم برای

اینکه ما بتوانیم اینهمه شدت و این همه ناهمانگی را کنار هم گذاشته باشیم شاید بدست آمدن تکنیکهای محکم و بکناخت کمک بکند که ما بدون نقض فردیت چون هیچ دلیلی نیست که ما بگوئیم حتما باید جمعی فکر کرد هر جامعه ای روالی دارد و مطابق آن روال زندگی میکند ، اگر مردم ما هنوز خصوصیات يك قوم چادر نشین را دارند قومی را که باید - آلهای فردی بیش از جمع علاقه دارد و چادر خودش را چارو میکنند در حالیکه خاکروبه اش را می ریزند کنار چادر دیگر ، ما نمی توانیم آنها را بکمرته عوض کنیم برای تغییر این اولاً زمان لازم است ثانیاً این موضوع که باید تغییر بکنیم بانه خودش مسئله است من وارد این نمی شوم و نمیگویم که اصلاً این عادات مردم را باید تغییر داد شاید اصلاً این موضوع از نظر معماری صحیح نباشد باید وقتی بگذرد تا ما خصوصیات مردم شهری را پیدا کنیم . این عیبی ندارد که ما اسلوب کلی مردم شهری را نداریم ، البته سرفرست و بهرورزمان درست خواهد شد و در این مورد تصمیم به شهری شدن بر تاثیر خواهد بود . يك وقت به مناسبتی نخست وزیر آقای هویدا در مطالبشان فرمودند «من تعجب میکنم چطور مردمی که در يك اطاق برای خارج شدن از در اینهمه بهم تعارف و مهربانی میکنند در چهارراه خیابان راه بر یکدیگر می بندند» در اینجا بنظر میرسد ضریب زاویه ای فراموش شده است و آن اینست که ارتباط در يك اطاق ممکن است

آینده هرکس را تهدید کند ولی آنکه آنسوی چهارراه است ما را نمی شناسد ، اگر ما مهمان نوازم از سرشت ما سرچشمه نمیگیرد ما با عزیز داشت مهمان نم بیابان های طی شده خود را تسلی می - دهیم ، بهمین شکل تنهایی در همه چیز ما رسوخ دارد بی دلیل نیست که میگوئیم «دیک شرکت بجوش نمی آید» بر اساس نیست که «دوری دوستی است» باز فکر میکنم وقتی که تمام دلاوران ایران زمین چون فرامرز و کیو و برزو گوش ناگوش ایستاده اند و کسی همه رنج کوفتن دشمن بدست رستم تنهاست و يك دست اسلحه ، این تنهایی موجب شده است تا دلاورانی که در این ملک کارهای نمایان کرده اند جز رستم داستان گریخته اند تا در مرو بدست آسیابانی کشته شوند ، بهر حال معماری بنظر من در وحله اول شکل دادن منطقی و شیرین و دلپذیر بان چیزی است که موجود است نه ابداع چیز جدید و تازه چون زندگی چیزی نیست که يك فرد ابداع کند من خیال میکنم علت ضعف و نقصی که در کارهای شهر سازی دنیا بدست آمده بیشتر از این موضوع ناشی میشود که آن چیزی که بوجود می آید يك ابداع است نه يك چیز همه جانبه و صحیح . مسلم شهر سازی امروز در آینده بوسائلی مجهز خواهد بود که احتمالاً بتواند قوانین و خصوصیات که بک واقعه همه جانبه را بتوان شهر بوجود بیاورد و آنوقت قبول شهر های موجود از طرف مردم يك چیز طبیعی تر و راحتتر خواهد بود و آن شهرها بیشتر به دردشان خواهد خورد .

سؤال : به این ترتیب در طبقه بندی که تصور میکنم والتر گروپوس انجام داده مینی سر رهبر یا خادم بودن شما بر جنبه خادم بودن آن تکیه میکنید .

جواب : میدانید من باین نوع تقسیم بندیها اصولا نه علاقه دارم و نه پرداختن به آنها را درست میدانم برای اینکه معماری در وحله اول بنظر من آن چیزی است که ما با آن از بلی که روبرویمان هست میگذریم و آن طرف بل این وسیله خرد می شود و بجایش حباب دیگری زاده میشود که گمان دیگری در این حباب رنگین گمان دیگری می بینند یعنی معماری شکلی است از زندگی که بعد از مدتی خرابش میکنند و جای آن چیز دیگری بوجود می آورند و چیزی که بوجود می آید تاثیر واقع تازه تری است و خوب است که معماری مثل خود زندگی باشد . شیرین و تلخ و شاید هم شیرین که بگذرد و گذرا باشد ، روان باشد و در جایی متوقف شود بمیرد و زندگی دیگری زاده شود باین ترتیب اگر وظیفه معمار بوجود آوردن چیز هائی است که در يك فاصله زمان از بین میسرود من نمیدانم چه جور میشود معتقد بود يك رهبری دائمی ، چون چیزی

که استنباط میشود وجود قوانین ثابت و محکم را توصیه و یا توجیه میکند ، خواه ناخواه هر فردی در جامعه اثر بگذارد منکر جنبه رهبری آن موضوع نمیشود شد . این موضوع شامل معمار هست ، شامل روزنامه نویس هست ، میوه فروش هست و اسفالت کن خیابانهای شهر هم جزو همین کسانی است که يك جامعه را رهبری میکنند و بنظر من خدائی کردن هر يك از اینها اصلا مسئله مورد نظر نیست که ما بآن بتوانیم شخصیت خاصی بدهیم که والتر گروپوس یا گسان دیگری که در این زمینه فکر میکنند . من خیال میکنم راجع به معماری باید خیلی ساده تر و روانتر و عادی تر از آنچه که بنظر می آید مثل هر فن و تکنیک و چیز دیگری که در محیط هست فکر کرد . البته مسلم است که هر حرفه ای ، هر کاری با افراد مبرزتر و آگاهتر توجه دارد يك تشوون کشی احتیاج به افسر های لایق و روشن بین و دقیق بر تکنیک دارد

معماری هم همینطور بحثی نیست . من توصیه نمیکنم که معماران چیزی ندانند مسلم معماریها خود بخود چیز خواهند دانست چه کارشان کوچک و چه بزرگ فرش شود آنها باید مجهز باشند بشمام و سائلی که اینها مربوط میشود .

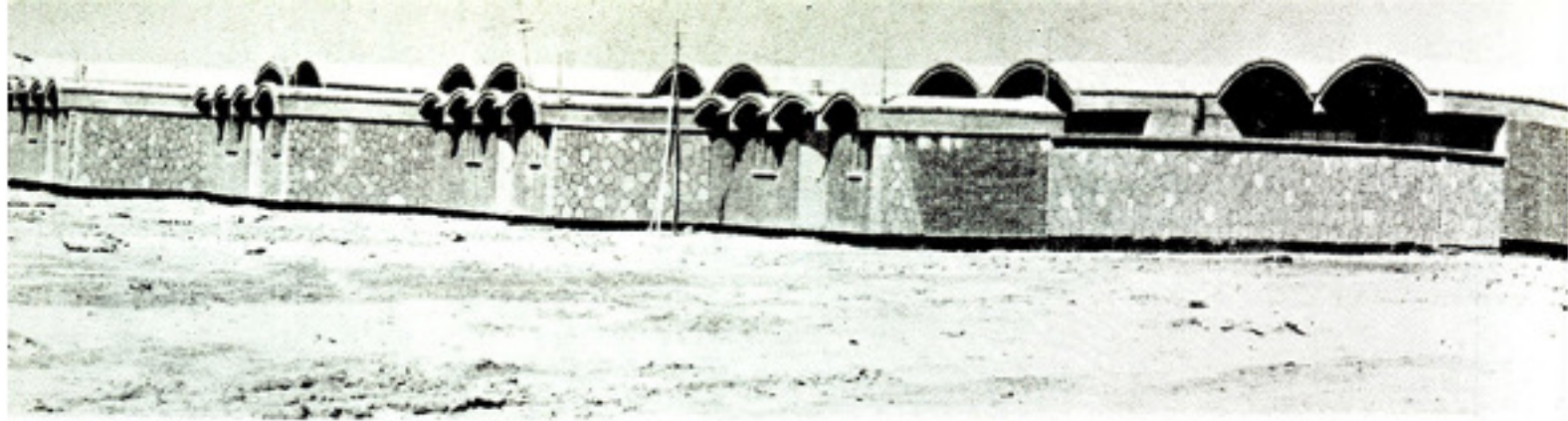


سؤال : میخواهم کمی بحث را به عمل نزدیکتر کرده سؤال کنم از چه راهی و به چه نحو شما این ایدهها را در کارهایتان منعکس کرده اید .

جواب : من خیال میکنم مقداری از مطالبی که گفتم بطور جالبی این موضوع را روشن کرده باشد ولی در هر حال برای مشخص کردن آن من این نکته را میگویم که شدیداً اعتقاد دارم که معماری با هر نوع کار و حرفه ای که در يك محیطی وجود دارد فعلاً متاثر از اقتصاد آن محیط است . من عقیده ندارم که به معماری و یا سنت و چیز هائی از این قبیل بایک دید غیر طبیعی نگاه بکنیم ، ما باید فکر کنیم که معماری ساختن يك مقدار ساختمان است برای مردم این هم با پول يك محیط بستگی دارد . شاید اصراف در زیبایندی این ساختمانها بزرگترین دشمن باشد در پیشرفت واقعی معماری در وحله اول ما باید این تصور را داشته باشیم که معماری فقط يك هیئت است یعنی يك بدن است

و چیز دیگری آنرا می پوشاند که لباس است این لباس بسته به امکانات محیط ، بسته به تکنیک محیط ، بسته به اقتصاد محیط است . آن چیزی که از معماری تجلی میکند و شما هم روی آن تکیه میکنید درست همین میزان بستگی است . ما میدانیم زندگی یعنی آن چیزی که مردم بهش عادت کرده اند اگر در يك ساختمان نباشد همان مشکلاتی را پیش می آورد که الان سئوالهای شما را باعث شده و من خیال میکنم علت این است که ما عوض اینکه باین هیئت و باین شکل بپردازیم با راهها و پوششی که این را دربر میگیرد پرداخته ایم . پس باین ترتیب نه اینکه من بخواهم نخست طبع نشان بدهم و بگویم که حتماً معماری باید فقیر باشد خوب پیدا است که در محیط امروز

ما دست زدن به معماریها باینکه اول هم گفتم این معماریها گذرانند و در يك فاصله زمانی زندگی کرده و بعد از آن فاصله زمان اینها از بین میروند ، و آبدی و دائمی نیستند ، چون صحبت ما راجع به آن قسمت از معماری عادی است و معماری مردم و معماری عمومی نه آن معماری خاصی که از قدیم بارت رسیده و یا ازما پانها باینکه خواهند آمد بارت خواهد رسید . پس این معماری عمومی حتماً باید متاثر باشد از امکاناتی که محیط برای شکل بندی این معماری بوجود می آورد . پس ما آن قسمتی که موضوع مربوط میشود بهیئت و هیكل معماری بنظر من بر میگردد به درد و آگاهی يك معمار خاصه راجع به فونکسیون و عمل کرد و راجع به زیست . قسمت دومش هم که مربوط به پیراستن و پوشیدن



این سلیقه است که می‌بینیم در کار هر معماری این سلیقه متفاوت است. در مورد اول من خیال می‌کنم آگاهی های زیادی یا فکر های زیادی در مورد اینکه يك محیط وبا يك ایرانی چه جور زندگی میکند به چه چیز هایی دل بسته است، ارتباط خانه و پدر و مادر در موردی که ساختمان خانه باشد و یا اگر آپارتمان میسازیم مشکلاتی که سر راه ماست چیست، مطلبی نیست که ما فقط باین توجه کنیم که حتما باید آپارتمان ساخت باید دید که در این آپارتمان خواهیم نشست - مقاومتی که مردم در استفاده از آپارتمان دارند مسئله‌ایست - بنظر من مهم اینست که آپارتمان برای این بوجود بیاید که زندگی راحت تری برای جمعی بوجود بیاورد یا خانه فردی هم همینطور - وارد جزئیات مطلب نمیشوم که ما را از برداشت کلی دور خواهد کرد باین ترتیب برای اینکه من بتوانم به فونکسیون موجود در ساختمانهایی که در محیط ما میشود آگاهی پیدا کنم سعی کردم عادات مردم را درک کنم. این روزها مطلبی هست که بارها دیده‌ام راجع به آن انتقاد میشود و آن اینست که ایرانی‌ها جانی را درست میکنند با اسم مهمانخانه و درش را هم قفل می‌کنند این موضوع اول از طرف آرشیتکتها عنوان شده و بعد صاحبکارها خودشان این نکته را پذیرفتند مثلا کسی را میشاختم که بمن مراجعه کرده بود و میگفت آقا من جزو آنهایی نیستم که اطاقی را میسازند برای مهمانخانه و درش را قفل میکنند من اینطوری فکر نمی‌کنم ولی وقتی در عمل به آوان پروژه رسیدیم و راجع به آن گفتگو میکردیم مرتباً پیشنهاد میکرد «آقا همیشه اینجا رو يك جوری بکنید

که این در را بسته بکنید» یعنی در عمل غیر آگاهانه با ادب خاص مردم ما نشان میداد که علائقت به این نکته است - این چیزی نیست جز همان اندرون و بیرون چیزی نیست جز همان که ما اصولاً به «مطالب روانی» عاطفی و انقباضی مربوطیم من زیاد وارد موضوع نمیشوم، باین ترتیب بنظر من عوض اینکه ما فکر کنیم باید حتما انتقاد کرد از اینکه يك فضا را باید قفل کرد باید دید واقعا که ما چه جور زندگی میکنیم اگر عادت ما براین چیزها هست بنظر من برداشتن اینها با فکر چیز قطعی است مگر بعرو زمان که عادت مردم بعقل زایش در محیط های خاص عوض میشود آنوقت این عادات هم خود بخود دگرگون میشوند، بازم تکرار میکنم ما نباید نگرانی داشته باشیم که امروزه ساختمانی باین شکل میسازیم چون مسلم ۲۰ - ۳۰ سال دیگر این را خراب می‌کنند و جایش چیزی را خواهند ساخت که باز زندگی آنروز مردم تطبیق بیشتری داشته باشد. باین ترتیب اینجا روشن میشود که چه چیزی از طرف من یا هر معمار دیگری باید پیاده بشود. در وحله اول عادت مردم عادت طبیعی مردم نه عادت که ما تصور میکنیم و خیال میکنیم و بان قیافه می‌دهیم و می‌گوئیم باید اینطور زیسته. باید دید چه جور مرزیند نه چه جور باید زندگی کنند. منتها چیزهایی که مهم است ارتباط هائی است که يك معمار آگاهانه میتواند در داخل فضائی بوجود بیاورد تا تاثیر کند در عاطفه افراد يك خانواده خطوط چیز هائی باشند که آرامش بدهند یا حجهها طوری باشد که تصورات مورد نظر معمار را در خانواده‌ای که خیال میکند اینها انظورند دارا باشد مثلا خانواده‌ای

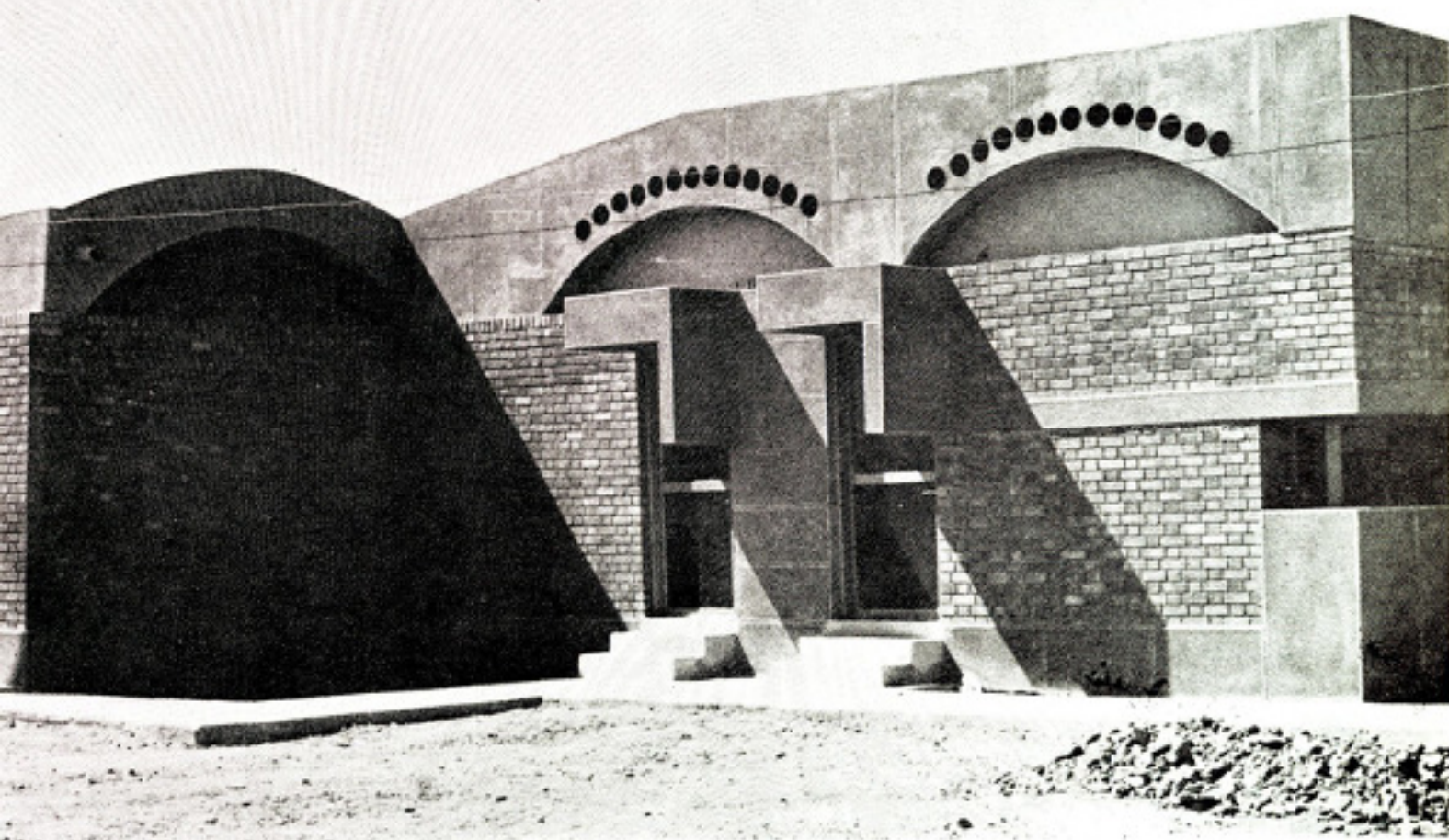
خشتند یا خانواده‌ای ملایم‌اند یا خانمی مهربان‌است یا خانمی مجلس آرا نیست اینها مسالکیت که معمار در وحله اول از خانواده‌ای برداشت میکند یا از کسانی که برایشان میخواهد خانه بوجود بیاورد یا ساختمان بسازد یا اگر اداره‌ای میخواهیم بسازیم ما باید فکر کنیم نوب این مملکت اداره‌ای چه جور آدمی است - شما خیال میکنید اسانه اگر یکی از اداره‌های ما را خالی کنند در یکی از پلانهای باز آیا این اداره میتواند کار بکند. هر اداره‌ای حتما باید برود نوب اطاقی که میتواند آنجا آن چیزی که این جامعه یا در این جامعه بان عادت دارد و بدست آورده انجام دهد. من نمیخواهم بگویم به چه شکلی ولی در مراحل این عادت مسئله مهمی است - پس اینجا چه از طرف من چه از طرف معمار دیگر واضح و روشن است که به چیزهایی باید پرداخت «بان چیزی که واقعی است و شکل دادن بان بساده‌ترین وضع و با ارزان ترین مصالح امکان پذیر میباشد - چون مملکت ما مملکتی نیست که از يك اقتصاد قوی برخوردار باشد من خیال می‌کنم مصالح ارزان هیچ وقت دلیل تفصیل ارزان باز زندگی ارزان نیست ما تمام ساختمان های قدیم را وقتی نگاه میکنیم چیزی که غالباً در اطاقها هست و خیلی ساده هم میباشد حتی از نقش گچ بری هم برخوردار که هستند آن چیزی جز گچ ساده نیست. ولی ارتباطات به نوعی مطلوب است البته بیشتر قدیمی هستند - ولی خوب مسلم است که از يك پرنسپ هائی برخوردار بوده‌اند پس کافی‌است يك معمار خوب پیدا کند که در این محیط از مردم چه برداشتی دارد. سلیقه فردیش در ترکیب مصالح



شاید هر ساختمانی در مملکت ما عملی باشد ولی وقتی يك كار دشوار و دست پاگیر و ناراحت کننده باشد بنظر من آن چیز را عمومی نیست یعنی همه چیز را آنطور نمیشود کرد . ممکن است يك كارخاص را آنطور کرد ولی همه ساختمانها بآن شکل ساخته نمیشود علت اینکه توفیق معمار های تحصیل نکرده نوبی این جامعه بیشتر است باین دلیل میباشد که آنها بآن چیزی دست میزنند ، به

کردن يك زندگی در خانه ای دست زده ایم ، چه جور ارتباط فامیل را رعایت کرده ایم ، چه جور موضوع حرارت و هوا و باد و هرچیزدیگر را ، چه جور اقتصاد يك مملکتی را درش تاثیر داده ایم ، وبالاخره چه جور امکانات تکنیکی را در آن رعایت کرده ایم . چون تنها مطلب این نیست که ما خیالی خوب فکر کنیم خیال می کنند خیلی خوب باید بهره بگیریم وبشناسیم امکانات تکنیکی موجود در محیط را .

و این موضوعها باهم چیست و با آگاهی که نسبت باین موضوع دارد و با این آگاهی ساختمانها میسازد . من هم خرابه ناخواد با توجه بیه آگاهی های که در این مورد دارم ساختمانها را کرده ام و از آنجایی که عقیده دارم معماری چیزی است انجام دادنی نه گفتنی خیال میکنم این ساختمانها را که بشود دید یا فرستی پیش بپایه که با هم یکی از آنها را توصیف کنیم و ببینیم چه جور مثلا به پیاده



توضیح عکس

۱۳۴۲ است کوشش های نارسائی است که در آن ها متاسفانه ابداعات جالبی در زمینه پوشش های آجری موجود است که ساختن این چنین بنا های بنظر می رسد از تکنیک مقبول زمان دور است .

شمائی کاملا روشن ترسیم کنیم چگونگی آنچه هست که از معماری قدیم ، امروزه می تواند باشد در هر حال ساختمان با کند که مربوط به سال ۱۳۲۸ و ساختمان روی تپه پشت دانشکده نظامی که بسال

باشد ساختمان حمام سرینگر است که بهتر است بجای آن چند حمام بسازند که مورد استفاده مردم باشد تا مایه انگشت نمودن . نکته ای که من امیدوارم بعد ها با مدارک و نقشه های دیگری

در این ساختمان تکامل یافته ترین توفیق در مورد تهویه طبیعی بدست آمده است . این ساختمان در سال ۱۳۴۳ به بار آمده است که مربوط به ۷ سال قبل می باشد به اصطلاح جنبه خلاصه بودنش مورد انتقاد

را بوجود آورده که حتی به‌عوض اینکه بخرد معماری فکر کنیم به انتظاری که باید این وسط بکنیم فکر میکنیم. البته این جواب همه سئوال شما نیست بقیه‌اش را هم گلارم در توضیحی که راجع به آن خانه باشما خواهم داشت.

کاربکه او میکند و تکنیک کار او را خوب بشناسد سلب تمام ضعف های کار او توفیق پیدا میکند. آن چیزی که میسازد مردم پامده کثیری از مردم بآن میتوانند خرید کنند مناسبانه بنظر من این روزها کسانی که سلیقه‌های فردی دارند و امکاناتی استثنائی بدست آورده‌اند معماری را پراهی دیگر میکنند. البته در این مورد بن تجربه‌ای معماریها، جوان بودن آنها که خود من هم خواهم ناخواه شامل بآن از آنها بوده‌ام باعث شده که ساختمان دچار این مشکلات و زمین‌هایی بشود که ما امروز حس میکنیم و برای ما مشکلات زیادی

آن تکنیک و وسائلی دست‌میزند که در این محیط آسان بدست می آید البته این موضوع می‌جورنت این نکته را توصیه نمیکند که تمام ساختمان‌های ما کاپه ضعفهای تاسیساتی و تکنیکی و این‌جور چیزها را حفظ کند وقتی بیک فرد آگاه باین موضوع توجه کند بآن شکل صحیح میدهد و آنوقت همه چیز درست‌است، ناسودان درست است، جای بخاری و نور درست است. اگر ما بخواهیم یا بطور کلی بیک آرشیتکت بخواهد کاری را با همان وسائلی که بیک معمار با‌اصطلاح یا تجربه درایسن محیط انجام میدهد بسازد ووسائلی





سؤال : شما بهتر میدانید که کلیه کارهای انجام شده توسط معماران ، و حتی فکر میکنم کارهایی که خود شما هم انجام داده‌اید برای صاحب کاری است که بشما مراجعه میکند . و این واضح است که امروزه این چنین مراجعی رومیثی دارد و پولی ، ولی مسئله مهمتر مربوط به اکثریت فقیرتر است که شاید نتوانند بشما مراجعه کنند آیا نایجل برای این اکثریت فکری کرده‌اید یا این کارها وظیفه خود نمیدانید .

جواب : اولاً در این محیط ارتباطی بین آرشیپکتها و مردم بوجود نیامده که شکافی بوجود آمده باشد و اگر مطلب شما مربوط میشود باینکه همه مردم به معمار مراجعه نمیکنند این طبیعی است ، همه جای دنیا باین تریب است ، یعنی اگر مردم میروند خانه ساخته شده میخرند از کارهای معمار ساز، در واقع آن معمار هم وظیفه آرشیپکت را انجام میدهد . پس اگر مردم بآرشیپکت مراجعه نمیکنند و باو مراجعه میکنند حالا کار نداریم که دچار چه مشکلاتی میشوند، خوب طبیعی است هرکسی فهم و شعور دارد آنها حس میکنند و بهتر میدانند که به چه کسی مراجعه کنند . جاهای دیگر دنیا هم عملاً کسی بآرشیپکت مراجعه نمیکند . و یا کسی ویلا نمیسازد خیلی به قدرت اتفاق میافتد که مثلاً کسی ویلا بسازد غالباً تیمهایی هستند که جمعی کار میکنند و ساختمانهایی میسازند مردم میروند و آنها را میخرند یا تیمهایی هستند که مردم میروند پیش آنها و

احتیاجاتشان را میگویند آنها هم از گشوهایی که دارند نقشه‌هایی را بیرون آورده و وقتی مورد پسند واقع شد یا تغییرات جزئی که بیشتر با سلیقه آن صاحب کار و کسی که آن خانه را میخواهد بخرد هماهنگ شود بعد هم ساخته می شود و مردم ازش استفاده میکنند . بنظر من اگر اینجا عدم توفیقی هست اگر همه مردم به آرشیپکت رجوع نمیکنند اولاً تعداد آرشیپکتها هنوز خیلی کم است و نمیتواند کفاف جامعه‌ای باین بزرگی را بدهد و بعد خود آرشیپکتها و معمارها فردی کار میکنند ، مردم فردی کار می‌کنند ، هرکسی که مقدار پولی دارد خودش میخواهد خانه بسازد و در شکل و شمایلش دخالت بکند و با توجه باین نکته که ما میدانیم آدم یک حیوان است و مثل هر حیوان دیگر از فرخانه سازی با لانه سازی برخوردار است یعنی همانطور که موش میتواند لانه بسازد هر آدمی هم میتواند خانه بسازد منتها فرقی که معمار با مردم عادی با باکسان دیگر دارد

اینست که او برای ساختن یک خانه بهترین وسائل و تکنیک را بکار خواهد گرفت و بهترین ایده آل ها و پاچیزهایی که بدین مردم عادی نمیرسد معمار بخاطر تجربه و ورزیدگی که پیدا میکند و بسا تحصیلاتیکه میکند بآن میرسد و عمل میکند . پس اگر در این مورد یعنی در مورد سئوالتان مشکل این هست که مردم به معنی آرشیپکت کمتر مراجعه میکنند مسائل اقتصادی و امکانات محیط بیشتر درش مؤثر است تا مسائلی که بگویی باگاهی مردم و پاچیز دیگر و مطلقاً که مهمتر است همان موضوع فردی فکر کردن ماست ، برای اینکه ما بیک زندگی اجتماعی عادت کنیم ، فکر کنیم که دست کم اگر امروز در دنیا شهرهایی هست که شهرند و در آنجا مردم اجتماع می‌کنند یک سابقه شاید چهارصد و پانصدساله بعنوان شهر یعنی بعنوان آن خصوصیتی که امروز بشهر اطلاق میشود دارند ولی تا فرصتهای خیلی نزدیک در خیابان های ما گذر بود و گذرهای محدود تری

شهرهای ما بیشتر زندگی خانوادگی بود که تازه آن خانواده ها هم کاملاً جدا جدا از هم زندگی می کردند - می بینید که هر کسی سعی میکند خانه های بسازد و دورش را آنوقت که خشت بود آنقدر که قدرت داشت بالا میبرد که کسی خانه شان را نبیند و بفانه آنها هم نصب بود امروز هم که مد شده است دیوار های کوتاه بسازند دیوارها را کوتاه میکنند ولی رفتار و طبیعت و چیزهای کاذبی که مردم کسب کرده اند در روابط بین هم دیگر طوری است که مثلا آدم در ماهها سالها در يك نقطه می نشیند و اصلاً نمیداند همسایه بالای سرش کی هست و کی نیست آنوقت شما چه انتظاری از يك زندگی اجتماعی و چه انتظاری از این دارید که کسی بفکر کارگر باشد و خانه های جمعی من خیلی دل میخواست این سؤال درجای دیگری میشد و باین اشاره میکردم که واقعا خانه ساختن یعنی همان خانه ساختن برای مردم ، برای کارگر فکر کردن ، معماری این نیست که مافوق توی تهران می کشیم معماری آنست که در ده می کشد و در شهرهای دور افتاده که هیچ کدام شبیه تهران نیستند و ساختمانها هیچ ارتباطی با شکل و شمایل اینجا ندارد و این همان موضوعی است که گفتیم مربوط است به اقتصاد مملکت و باینکه ساختمان باید به چه شکلی باشد اگر خوب فکر کنیم چه بسا باید اکثر خانه های که توی این مملکت ساخته میشود از برق هم برخوردار نباشند تا بتوان خانه برای همه ساخت چون هنوز پول نداریم یعنی اگر کسی میخواهد به معماری فکر کند باید در حد این چنین چیزهایی باشد نه اینکه هر کسی فکر کند خوردنی برای خود بسازد اصلاً کسی نیست که امروز پول خوردنی را داشته باشد ، عده خیلی آنها در شهری مثل تهران است که میتوانند دست بچین معماری بزنند بعلمت اینکه کنترلی بر پول و دارایی مردم نیست که خواه ناخواه و خود بخود توسط دولت کنترل بوجود خواهد آمد ، مالیات بسته میشود و وقتی دارایی افراد را کنترل کنند يك چنین تروتهای سرسام آوری پیدا نمیشود که يك عده آرشیتکت از اینجا طرفی

بگیرند و نانی بخورند بشکل خاصی و این در هر حال شما عوش اینکته لغزش را بخورید باید بدانید که در آینده نزدیک خواه ناخواه معماری کشیده خواهد شد باینکته فکر کند به آن چیزی که در این محیط میتواند ساخته شود بااصلاً حد آن چیست ، من خیال میکنم امروز در این مملکت واجبتر از همه اینست که کادری دکسانی بوجود بیاید که توصیه کنند در بین چه سال تا چه سالی مصالحی که مصرف میشود چه چیزهایی باید باشد این مسئله مهمتری است باین ترتیب این همان مشکل شما است که جواب داده میشود وقتی فکر میکنیم که ما از چه مصالحی میتوانیم برخوردار باشیم برای بوجود آوردن معماری خواد ناخواه جامعه مطالعه میشود ، اجتماع مطالعه میشود ، کارگر و کشاورز مطالعه میشود و ساختمان های مربوط بآنها مطالعه میشود و آنوقت پیشنهاد میشود چه مصالحی باید بکار گرفت ، این همان تکنیک است و وسائل کاری است که میگویم توی این محیط باید شناخته بشود و باین توجه شود منتهی شامل تمام زمینه های متفاوت است چون معماری شامل همه زمینه ها است از جامعه شناسی گرفته تا چیزهای دیگر پس باین ترتیب روشن است و ما خوب می بینیم که راجع به خانه های کارگری چه جور باید فکر کرد باین اگر فکر کرده باشیم که مسلماً فکر ها و مدارکی هم هست که میتوانیم بعداً در اختیارشان بگذاریم که راجع به خانه های ارزان قیمت و پلانهای که میتواند همه جا و توسط هر کسی ساخته شود - معماری تازه نباید باین توجه کند که چه جور و با چه تکنیکی ساخته شود بلکه گرایش باین سمت باید باشد که بتواند بوسیله هر کسی در هر جایی ساخته شود من گروههایی دارم و فکرهایی هست که گاه گداری به پاره ای از آنها عمل کرده ام ولی مسئله اینست که این همان قدر مورد انتقاد است که معماری موجود برای اینکته هیچ کدام طریقی برنامه نیست یعنی هیچ کدام آن چیزی نیست که ضرورت اجتماع ایجاد میکند الا شما فقط سؤال میکنید که راجع به کارگرها - باید چه کرد ولی واقعا اینکته جامعه خودش باین موضوع برسد من

خیال میکنم ده سال دیگر هم طول خواهد کشید تا شده ا جا آمده ما با این سؤال روبرو شود و آنوقت بنشیند راجع به این مسائل فکر کند البته خوشوقتی اینجاست که از حالا کسانی فکر این موضوع را بکنند تا در آن روز مجبور نباشد و برای جواب دادن باین مشکلات آمادگی کافی داشته باشند ، علاوه مردم ما هنوز آن آشنائی لازم را ندارند تا بتوانند از معماری مورد نظر شما استفاده کنند و همینطور معمار در این مملکت آزاد برای طراحی نیست ، مثلا در مسورده ساختمانهایی که دولت میسازد قالبها مقامات عالی هستند که راجع به چگونگی ساختمان تصمیم میگیرند ، قوانینی هم نیست که دخالتشان را محدود کند و تصمیم را در صلاحیت اهل فن قرار بدهد البته این در تمام موارد هست و تنها معماری نیست که در بلا گرفتار آمده و این هم واضح است اجتماع ما تازه قوانین اجتماعی چندی را در مورد معماری دارد وضع میکند .

سؤال : در این مورد شما فکر میکنید آموزش معماری بتواند کمکی نماید و با چه نقیصی موجود بوده که تا بحال نتوانسته ایم به معماری مناسبتری برسیم ؟

جواب : نقیصی که وجود داشته در حلقه اول مربوط به کادر است که نبوده در مرتبه دوم مربوط به این بوده که وسائل و تکنیک کار وجود نداشته و کسانی هم که در این حرفه بوده اند اصلاً باین فکر نبوده اند که در محیط ما وسائل و تکنیک کار را بشناسند و وقت صرف کنند ، علت اصلی آن هم باز همان فردی بودن خلق و خوی ماست همه این جوابها متأسفانه غالباً بر میگردد به این نکته فکر کنید چرا معماری در این شهر توفیق ندارد خوب دقت کنیم موج های کوچکی مثل همان نهضت آجر بهمنی یا تراورتن و باجیزهای دیگر که يك تاثیر تکنیکی بکنواخت و مشابهی را گذاشته اند بانی تکنیکها خیلی ابتدائی و فقیر هستند یعنی ما پاندازه کافی مثلا لوله کشی نداریم که لوله کشی را خوب بدانند یعنی کادر فنی باید در مملکت باشد یا مدارسی باشد تا کادر مناسب تربیت کنند که آنها بتوانند درست جوش بدهند درست لوله را بگذارند

یا درست سرب بریزند همه این کار ها را يك معمار نمیتواند بکند درست است که من متأسفانه بسا خوشبختانه مدنی به يك چنین معماری دست زده بودم چون میدیدم که امکان این نیست که يك ساختمان خوب بشود این بود که وقت را صرف يك ساختمان میکردم در واقع برای کوچکترین انشال و وقت صرف میکردم همین طور می بینید که این يك چیز عملی نیست که يك معمار بیاورد اصلاً صرف نظر از مسائل مادی و وقتش را تماماً صرف کند که يك خانه بسازد و بعد برود سراغ يك دیگر - احتیاجی هم که برای ساختن خانه در جامعه است زیاد بوده و کادر نیز کم است ، پس علت اصلی اینکته ساختمانهای ما توفیق نداشته اند از نظر من یکی این بوده که ما کادر فنی نداشته ایم ، البته اینرا نباید گفت که کسی دشمن بوده چون هر کسی حق دارد توی این محیط زندگی کند و نان درآورد من بطور میتوانم بگویم که دیگران سوء استفاده کرده اند و کادر تربیت نموده اند من نباید چنین چیزی بگویم ولی بالاخره کاری موجود نیست که ما بگوئیم این خیالات چرا به يك چیز خوب نرسیده ، امکانات موجود است ولی همانطور که گفتیم ما این شرایط و امکانات را نداریم این موضوع زمان ، سرمایه و تکنیک و انواع و اقسام مدرسه ها و افراد دلسوز میخواهد تا بتواند باین چیزی که مورد نظر شما میباشد برسد ، باین ترتیب جواب شما خیلی واضح و روشن است ، کمتر بنای خوب پیدا میشود مردم آن روح اصلی که در ملت باید باشد و آن ملت را مشخص میکند یعنی موضوع خانواده و اساس آن که در مملکت ما به يك شکل خاصی است نه اینکه توهین باشد بشکل موش شده ما خانواده بآن شکل که فردی را با يك سری با بستگی ها تربیت میکند نداریم یعنی خانواده ها این خاصیت را ندارند یعنی افراد به چیز های مشخص پای بند نیستند وقتی افراد بسا چیزهایی مشخص پای بند نباشند هرگز نباید منتظر بود يك معادله فقط جواب صحیح بدهد این ضریب زاویه ای که شما میخواهید يك خط است و ارتباطی با يك ضریب زاویه که متحنی است ندارد .

# گفتگویی با کامران دیبا

این مصاحبه بصورت گفتگو توسط آقایان محمود ارجمندی و سعود وکیل زاده ضبط و در همان اسکلت تنظیم شده است

ارجمندی

— فکر میکنم بهتر باشد صحبت را از سنت شروع کنیم زیرا با وجود بحث های فراوان هنوز انطور که باید و شاید این موضوع روشن نشده است :

دیبا: حالا اگر ما بخواهیم فقط در مورد سنت صحبت کنیم که این بحث غیر کالبدی و اصلا معماری نیست. پس منظور جنبه های سنتی میباشد که مربوط میشود به يك واکنش بین سنت و محیط کالبدی - ما راجع به تاثیر این واکنش یا معماری صحبت خواهیم کرد - که آیا میتوانیم با جبر و زور سنت ها را ملغی کنیم و یا آنها را از بین ببریم ؟ یا کارهایی که در این زمینه کردند موفق بوده یا اینکه این سنت ها هنوز زنده هستند و ما باید آنها را در معماری رعایت کنیم ؟

خوب حالا اگر بخواهیم خلاصه کنیم سؤال این میشود ارتباط سنت با محیط کالبدی اقمرد از محیط کالبدی ، معماری یا حتی زیبایی خاگروبه و یا نیرو و هرچه که تولید میشود بصورت کالبدی ، سنت بصورت يك فکر اجتماعی نقش موثری را بازی میکند و این واقعیتی است غیر قابل انکار حالا سنتها بعضی بصورت «آگاه» و بعضی ها عوامل ناشی از سنت هستند که بصورت «ناآگاه» هستند اصلا اگر سنت را زیر بسا بگذاریم عکس العمل انسانی صد درصد منفي خواهد بود . و همانطوریکه قبل خودتان مثال زدید اگر کسی احتیاج داشته باشد که در منزلش بسک اطاق پذیرائی داشته باشد و اگر ما بهش اطاق پذیرائی ندهیم آن اطاقی که برای خودش گذاشته ایم اطاق مهمان میکند و خودش در راهرو زندگی میکند - یعنی زندانی مهمانش را توی راهرو میگذازند . پس عملا سنتها و عادات هستند که باعث

میشود يك ایرانی شب ناپستان بنشیند در حیاطش و اگر ما بخواهیم این را از او بگیریم میتوانست دور حیاطش معجر بگذارد ولی پشت آن حصیر میچسباند که باز بتواند در حیاطش بنشیند. پس نتیجه میگیریم که اقداماتی که باعث تناقض دارد ممکن است يك عکس العمل منفي و یا شورش رفیق بوجود آورد.

اندر بعضی سنتها بصورت ناآگاه « میباشد که من فکر میکنم تا اندازه ای مهمتر میباشد. بدلیل اینکه دلیل ناراحتی روشن نمیشد این عامل بصورت بسک مرحله ناآگاهی میباشد که در رفتار و عمل مردم تاثیر میگذازد این را نمیشود زود ارتباط به موضوع بخصوصی داد . مثلا یکی از محیطی بدش میآید ولی دلیلش را نمیداند که چرا بدش میآید و یا در يك معماری نمیخواهد برود - این يك دلیل «ناآگاه» میباشد ممکن است در فرهنگ ایرانی يك فرد نتواند در يك زیر زمین شب را براحتمی بگذارد یا فریح کند ولی مردم کشور های اروپایی در زیر زمین مهمانی میدهند آواز میخوانند و سرشب تا نیمه شبها در زیر زمین میگذازند پس سنت خیلی مهم است و اگر منظور ما بوجود آوردن يك معماری انسانی باشد - باید انسانها و - خواستههایشان را در نظر بگیریم ، حتی خواسته هایی که روشن نیست و «ناآگاه» است . و اگر رفتار و یا خواسته های افراد را در نظر بگیریم عملاتیونانیم معماری انسانی را بوجود آوریم .

وکیل زاده

در مورد نیاز استفاده از فضاهای باز و یا بسته - آیا این مربوط به صنعتی بودن یا کشاورزی بودن يك کشور نیست زیرا در کشور های صنعتی کار در زیر سقف تا اندازه ای روی مردم اثر میگذازد و یا در محیط کشاورزی محیط باز مولد میباشد.

دیبا - خوب شکی نیست که بگویم فرهنگ تکنولوژی از هنر نظری تاثیر میگذازد . و حتی سنت ها را از بین برده یا تبدیل مینماید . منظور این است که اگر ما احساس میکنیم که يك انسان مقداری تنگ - العمل مثبت روی يك سیستم دارد که در این سیستم فرضی سنتها هست پس خواستها و حتی تمایلات اجتماعی این شخص در این سیستم گنجانده شده . معمار باید جوابگوی این سیستم باشد البته اگر منظور ما معماری انسانی است تصور میکنم حالا بمن حق میدهید که بگویم جوابگوی به سیستم تمایلات انسانی خیلی مهم است . اگر پای صحبت هر معماری بنشیند میگوید که من معمار انسانی هستم مردم را دوست دارم و ضد مردم یا قاشیست نیستم و به تمام گروهها و اقلیتهای اجتماعی احترام میگذازم و میخواهم برای آنها يك محیط بهتری بسازم. ولی جوابگوی به يك سیستم انسانی بستگی مستقیم به متدولوژی دارد. میتوان چند جور باشد يك وقت است که شما متدولوژی نان را میگذازید روی پلاستیک (یعنی در درجه اول پلاستیک) و جنبه های هنری آن مطرح است - سپس «فونکسیونل» بودن را میخواهم با معماری انسانی - تفکیک کنیم «فونکسیون» جوابگوی يك مقدار از احتیاجات مکانیکی است ، وقتی که من میگویم معماری انسانی ، ما راجع به سنت و عادات و حتی تمایلات درونی مردم هم صحبت کرده ایم یعنی چیز هایی که بسه فونکسیون مربوط نیست .

فونکسیون یعنی دو دوتا چهارتا مثلا يك خانه احتیاج به يك توالت و با يك آشپزخانه دارد ولی مسئله مهم این است که ببینیم در این توالت شخص صفا میکند ! یا دو این آشپزخانه زن خانه دار میخواهد

هرچه زودتر آشپزی را تمام کرده و از آنجا خارج شود من فکر میکنم این اشتیاق را همه میکنند . معماری «فونکسیونل» از نظر من آن معماری است که تمام احتیاجات مکانیکی يك کالبد را برآورده کند در نظر گرفتن احتیاجات اولیه انسانی کافی نیست - يك عامل انسانی بستگی دارد به تمایلات درونی و مشخصات يك انسان و بازگروههای اجتماعی و یا طبقاتی با ارتباط فرهنگ گذشته این قشر ها بسا فرهنگ امروز آنها و تمام عکس - العمل های ممکنه . اگر احتیاجات این سیستم های انسانی را بسه بهترین وجه پیاده کنیم همانطوریکه يك نماینده ما را میدهند دست يك کارگردان و مقداری بازیگر هم دارد و چگونگی استفاده از این عوامل مطرح میشود و موفقیت او بستگی پیدا میکند به چگونگی استفاده - ما هم اگر بتوانیم جوابگوی سیستم احتیاجات هنری انسانی باشیم در جهت معماری انسانی موفق بوده ایم -

ارجمندی

آیا بین فونکسیونهای جدید ناشی از تکنیک از طرفی و سنت و خصوصیات درونی انسانی از جانب دیگر تناقض موجود است ؟ این تناقض چگونه میتواند حل شود ؟

دیبا - نیروهای دینامیک و متحرک دائما يك مرحله انتقالی را در فرهنگ و شخصیت تثبیت مینمایند . یکی از نیروها که در تغییر شکل جوامع امروزی نقش بازی میکند تکنولوژی و «انومیشن» است (منظور سیستم بندی کردن عوامل ماشینی و کنترل آن از طریق رده بندی و نیرو) فرض کنیم که نیروی اثرش سیستم G را بسازد حال برای ما بعنوان آرشتیکت این مطرح هست که سیستم G را در نظر بگیریم و جوابگوی آن باشیم حالا اگر تکنیک مقداری از

سنت ها را از بین میبرد و طرز فکر مردم را عوض میکند - اگر موفق شده فکر مردم را بکلی از سنت دور کند این برای ما مطرح نیست ولی آن مردمی که ضرورت های G را در زندگی خود احساس میکنند آن مطرح میشود پس در معماری انسانی سنت صرفا برای خودش مطرح نیست البته معمار میتواند از خودش ایده نولوژی مخصوصی داشته باشد و تنها اندازه های آنرا تحویل کند - ممکن است معماری باشد که بر علیه تکنیک و غیر انسانی شدن اجتماعش شروع کند و از آن طرف بکنفر هم خواهد تکنولوژیک رایسول و مادی باشد و تمام عوامل معنوی را از بین ببرد و بسک زندگی مسایشی بوجود بیاورد - و یا از طرفی هر دوی این افکار به موازات هم موجود باشد منظور من این است که يك موقعیت اجتماعی هست حالا اگر تکنیک آنقدر نقش بازی میکند که آدمی فکر کند احتیاج ندارد غذا بخورد یعنی میخواهد حب بخورد و این يك واقعیت است و من به عنوان يك آرشیستک پادیدی نگاه میکنم که این انسان دلش میخواهد حب بخورد و راضی است . روی این اصل اگر بخواهم خدمتی برایش انجام داده باشم باید در جهت قدری خودش باشد بعضی اوقات حس میکنم این اشکال هست که مثلا سیستم آموزشی ما يك سیستم فریبست و از يك الگوی غربی تهیه شده است روی این اصل ما هم يك مقدار ارزشهای غربی را اخذ کرده ایم (چه آنها که در ایران تحصیل کرده و چه در خارج) طرز فکر غربی ما باعث میشود که بین ما و توده های مردم خودمان و حتی طبقات متوسط خلاء ایجاد شود روی این اصل چون ما حس میکنیم که کمی جلوتر از دیگران می بینیم (ممکن است این حس ما غلط باشد) و چون ما حس میکنیم که ما هم داریم جهت تحولات صنعتی اروپایی را طی میکنیم . روی این اصل يك مقداری از تجربیات غربی و اتفاقاتی را که در غرب اتفاق افتاده - به عنوان عوامل اجتناب ناپذیر قبول میکنیم . ممکن است برای قشرهای زیرین اجتماع ایرانی مطرح نباشد که يك عملت قدیمی را نگه داریم . ولی چون ما فکر میکنیم ۲۰ سال دیگر

طبقات عمومی حس کنند که در گذشته عملتهای قدیمی میباشد بعنوان یادگار حفظ شود پس عملا ما احساس مسئولیت میکنیم - من فکر میکنم خیلی دهانی هالی باشند که معنی و مفهوم نگذاشتن لغت جمشید را نفهمند و نگهداری آن برای آنها مطرح نباشد. متأسفانه در اجتماعی که غلای فرهنگی هست این نوع تناقض هست روی این اصل با اندازه های در کشور هالی نظیر ایران که توسعه به صورت منظم نیست ( از نظر شهر نشینی توسعه سریع تر است - و توسعه کشاورزان بنحو دیگر است ) نتیجتا دو فرهنگ دارد سپر می کند و در حال تحول است یکی فرهنگ دهقانی و یکی فرهنگ شهر نشینی البته اخلاقی این دو دارد تشدید تر میشود فکر میکنم بتوانیم با وسائل ارتباطی عمومی که البته خوشبختانه شروع شده مثلا تلویزیون و رادیو تا اندازه های این اختلاف را تسطیح میکنیم ولی ناوقت این امر انجام نشده است ما باید قضاوت کنیم و تعبیرانمان را تا اندازه های تحویل کنیم .

#### ارجمندی

معمار روی چه مبنای قضاوت باید بکند و چه اصولی مطرح میشود.

دبیا - من فکر میکنم که رشته معماری در آینده بفرم يك دیسپلین گنکتیو دوآید ولی هنوز مخصوصا در ممالک ما يك فرم خیلی فردی را دارد روی این اصل اگر ما از نظر ایرانی به این مسئله نگاه کنیم فکر میکنم يك معمار يك فرد است و باید خودش بتواند قضاوت کند ما نمیتوانیم الگویی داشته باشیم خود معمار باید قضاوت کند اگر ما به رشد بیشتری برسیم و بتوانیم يك مقدار سئوالات ابتدائی خودمان را جواب بدهیم در آن مرحله ما نمیتوانیم راجع به خط مشی و غیره صحبت نمائیم - ولی به آن چه که خود من معتقدم معماری انسانی بعنوان يك متداووزی میباشد یعنی ما اگر شروع کارمان بر مبنای پلاستیک با آرشیستیک یا جغرافیائی و فونکسیونل نباشد و بر روی اصول انسانی پایه گذاری شود فکر میکنم تا اندازه های جوابگوی مشکلات مطرح شده باشد پس مسئله ای که مطرح میشود اتفاقاتی است که در مدت دیدار فسردهی از يك

محیط کالبدی روی میدهد - تجربیات بصری و سمعی بسا اجتماعی این فرد بسا گروه و برداشت آنها از این محیط برای من مطرح هست بعد بگوئید از نظر آرشیستیک فرم چه باید باشد این يك نوع وسیله است نه هدف اگر شخصا من يك پروژه ای انجام بدهم موفقیت را وقتی حس میکنم که این پروژه از نظر دیدن های انسانی موفق باشد و فرم پلاستیک آن در درجه دوم اهمیت قرار دارد باید گفت پلاستیک جهت دهنده یا جا دهنده است .

#### ارجمندی

حال می بینیم که معماری بسکی شدید با اجتماع دارد یعنی يك آرشیستک باید اجتماع را بشناسد و منعکس کننده آن در کارش باشد از جانب دیگر پلاستیک رابطه دارد از طرفی پلاستیک خارجی و داخلی است که اشاره شد بنابراین بنظر شما مسئله هنر در معماری بوجه شکل مطرح میشود .

دبیا - از نظر من هنر وسیله ایست که بصورت طبیعی اتفاق می افتد - آن را آدم کپی هم میتواند بکند این ممکن است از نظر بعضی بعدد باشد يك معماری اگر انسانی باشد هیچ مهم نیست که مثلا يك فساد « لوگودبوزیه » را عینا کپی کنیم و یا فرم دیگری را که فکر میکنیم مناسب است .

مثلا دیدم بعضی آرشیستک ها صحبت میکنند فلانی زیساد خلاق نیست از فلانی در کارش موثر است این مسئله بچه گانه است برای اینکه آن معماری هم که اثر کسی در کارش نیست نفوذ آن کار معماری درجه دوم در کارش هست و آن هم که خودش را راضی می کند که دیگری تحت تاثیر فلان کس است خودش تحت تاثیر کاری است که توی هر خیابان متوسط تهران موجود است - عملا همه تحت تاثیر و تاثیر بردار هستند .

#### ارجمندی

پس جنبه هنری معماری بچه شکل در می آید .

دبیا - من فکر میکنم هنر معمار در این است که بتواند این عوامل انسانی را به بهترین وجهی در محیط کالبدی تنظیم کند - من از

معماری انسانی تبعیت میکنم ولی در پروژه هالی که عمل کردم ممکن است این مسئله حس نشود خیلی ها بگویند جنبه پلاستیک دارد ولی برای خود من چیزی که مطرح است پلاستیک نیست برای اینکه پلاستیک از ریتمال و اختراعی نیست .

روی این اصل اگر توی يك مجله که ورق می زدم قرصی پیدا شود که به درد بخورد از نظر من قابل استفاده میباشد. ماهمیشه از اشکال هندسی کپی میکنیم - هیچوقت يك فضای مدور یا غیرو از ریتمال نیست همچنین يك مثلث یا دوزنقه - خوب اگر شما يك کپی یا بنان را آن طرف تر بگذارید هیچ بنجره ای هم فکر نمیکنم از ریتمال باشد - بالاخره مفهوم اصلی بنجره موجود بوده و ما تغییرات کوچکی در دمای آن داده ایم . جنبه های هنری عوامل شخصی هستند که یا در معمار موجود است یا نیست، سیستم آموزشی به شناخت و تقویت این استعداد ها کمک میکند

#### ارجمندی

این گفته شما کاملا صحیح به این ترتیب که انتقادی هم بر معماری مدرن هست که فضا ها همان فضا های هندسی و افلیدسی گذشته است و معماری مدرن نتوانسته فضا های جدیدی ارائه دهد به دنبال این بحث موضوعی امروزه پیش می آید بجای فضاهای هندسی و افلیدسی گذشته امروزه در معماری بحث از فضا های - ریتم و فضاهای بیش بعدی میکنند بجای فضا های سه بعدی که در طول و عرض و ارتفاع جریسان داشته فضا هالی که در لیه بالکن ها در فاصله بین خانه و خیابان ها و تمام عوامل طبیعی در جریان است فضا هالی که بیشتر جنبه روانی و غیر فیزیکی دارد . راجع به این مسئله چطور فکر میکنید آیا آنها میتوانند در صورت مطالعه فضاهای جدید باشند .

دبیا - گفتم من اصولایی بوجود آوردن پلاستیک جدید نیستم ولی البته نمیگویم اشخاص دیگر هم نباشند ممکن است بعضی آرشیستک ها پی خلق فضا های جدید باشند، و این را هم منکر نمی شوم که وقتی روی يك مجموعه و بنا ساختمان کار میکنم فضا برای من خیلی

مهم است من فضا را از نظر هنری نگاه نمی‌کنم از نظر فضائی نگاه نمی‌کنم بلکه از نظر فعالیت انسانی به آن نگاه می‌کنم مثلا میگویم این پایی که نشسته کنار این پنجره می‌خواهد ۱۰۰ متر نگاه کند روی يك فضای ۲ بعدی سبز و چون آن طرف يك عمارت کثیف هست من ۶ تا درخت می‌گذارم که این را بیندم از جلوی چشمش و یا می‌خواهم شب که تاریک میشود ستاره ها را روی آسمان ببیند ، پس این به من فضا میدهد .

يك آرشیویتك دیگر برعکس عمل میکند- ببینید این مسئله متدلوزی است و خیلی دو ۲ تا چهار تا نیست یعنی اگر عملا وارد شویم روی بررسی «مراحل طرح» می‌بینیم که مقداری مسائل و جواب های جدید مطرح میشود. مثلا هیجوت دقت کرده‌اید که يك آدمی کوتاه و یا يك آدم بلند قد ، عامل معماری ثابت « را از جهت دیدشان بصورت مختلف درک میکنند . (از نظر روانی نمی‌گویم - که خیلی پیچیده است ) از نظر دیدشان مطرح است يك آدم عادت دارد پائین نگاه کند يك آدم عادت دارد بالا نگاه کند یعنی بگوئیم زاویه

دید مردم باهم فرق دارد روی این اصل فردی در يك خیابان راه می‌رود و هیجوت بالا از سه متر را نگاه نمی‌کند نتیجتا هر اثری که بالای سه متر بوجود بیاوریم در او تأثیری نمی‌کند و در صورتی که شخص دیگر بالا نگاه می‌کند - پس ببینید یکی دور را نگاه می‌کند فضای باز تر را می‌بیند تا اینکه فضای نزدیک را - خود من شخصا فضای نزدیک را بیشتر حس میکنم و از فضای دور کمتر آگاهی دارم و خیلی مواقع سعی میکنم که به فضای دور و بلند هم نگاه و توجه کنم. پس این مسائل انسانی خیلی مهم است.

نتیجه میگیریم که فضای ثابت اثر بخصوصی ندارد و « بعد انسانی » و فردی و فرهنگی دخیل است - فضای جدید و این حرفها برای من مطرح نیست چون این صد در صد بنظر من يك طرز فکر مادی است که آن برخلاف يك تفکر انسانی است . برای من فضائی مطرح است که ارتباطی برقرار میکند یا فعالیت يك انسان حالا این فعالیت مثلا این است که يك آدم گفتاش را درآورده پایش را بکند توی جوب آب - این

برای من مطرح میشود بعنوان يك مسئله‌ای - ولی ممکن است يك معمار روی این فکر نکند پس ممکن است من يك حوض درست کنم در جایی فقط برای اینکه مردم گفتشان را در آورند و پایشان را بکنند توی حوض - این مسئله است که بمن يك طرح میدهد این يك فونکسیون آن چنان ضروری نیست که اگر يك آرشیویتك آنرا مراعات نکند مورد ایراد باشد . يك دفعه با زلم رفتم بودیم فیلادلفیا موزه شهر را نگاه کنم هوا خیلی گرم بود حوضی داشتند جلوی محوطه گفتشا را در آوردم رفتم توی حوض البته حوض خیلی کم عمق بود - رفتم وسط حوض - البته ما خیلی لذت بردیم ، پدبختانه يك پلیس آمد سوت زد و میخواست ما را بگلاندتری ببرد - در صورتیکه من فکر میکردم که حوضهای شهر برای استفاده مردم بوجو: آمده‌اند- این باعث شد که موضوع برای مطرح شود واسکیسی تهیه کردم که بانك است، اگر بخوانید می‌توانید از آن استفاده کنید.



سوالی که مطرح میکنید يك ایده نولوژی است که در ظرف مخالف من واقع شده حالا من نمی‌گویم که این ایده نولوژی بد و ، مال من خوب است خیلی خوب میشود که شما این مسائل را روشن کنید خیلی آرشیویتك ها هستند که سوال شما در جهت فکری آنها است این سوال در جهت مخالف فکری من است .

معمار اول يك نجس میکند در مورد فضا های منفی یا مثبت پر یا خالی البته این فضاها جدا از انسانها نمی‌باشند ولی درجه اول اهمیت تحقیق در مورد فضاها و حجم ها میباشد که این بصورت- متدلوزی - يك اثر دارد و اثری که بوجود می‌آید من فکر میکنم يك نتیجه‌ای است از این متدلوزی ولی در مورد خودم که صحبت می‌کنم چیزی که مطرح است تحقیق در مورد انسانها و روابطشان با يك دیگر و محیط بوده البته این انسان ها و روابطشان بی ارتباط به فضا نیست من فکر میکنم فرق عمده ایده نولوژیک بین من و بعضی همکارانم این باشد که خوشبختانه این گفتگو فرصتی شد که آن را بروی کاغذ بیاوریم .

در « دباگرام » زیر صفحه فکر کنم فرق بین دو «متدلوزی» روشن شده باشد .

#### ارجمندی

بالاخره به این نتیجه رسیدیم که تفکر در مورد فرم مطلق يك مرحله انحرافی است و پرداختن بطرز مطلق و بدون در نظر گرفتن فضا به انسان هم همینطور .

دبیا - به بینیم هیچ کدام از این ها بطور مطلق نیست و ممکن است غذا را به پزند - در يك مسورد من میخواهم این غذا خوشمزه باشد در درجه دوم قشنگ باشد - در مورد دیگر من میخواهم ریخت آن قشنگ باشد سفره من از نظر زیبایی درجه يك باشد بعد مزه آن روی این اصل اول ما دنبال چی هستیم برای من مطرح است که ، در مکانیزم فکری يك معمار اول چی مطرح میشود اول بوجود آوردن يك فضای پلاستیک خوب که باید يك ارتباطی با انسانها داشته باشد این راه من نیست راهی که من می‌روم این است که اول ببینم که این انسان چه میخواهد و گروه هایی که در آنجا خواهند بود چه فضائی میخواهند .

مشکرم.

### مراحل طرح « متدلوزی »

معماری متداول > < فضا و پلاستیک < < فونکسیون < < نتیجه  
> < فونکسیون < < فضا و پلاستیک < < نتیجه  
معماری انسانی < < بررسی عوامل انسانی < < فونکسیون < < فضا و پلاستیک < < نتیجه

\* فونکسیون - احتیاجات آگاه انسانی - احتیاجات ابتدائی روزمره ( اداری و رسمی )

\* عوامل انسانی - ابعاد فرهنگی و اجتماعی و واکنشهای غیرفورمال اجتماعی

نام: (ج. ر. ک. با لاس)

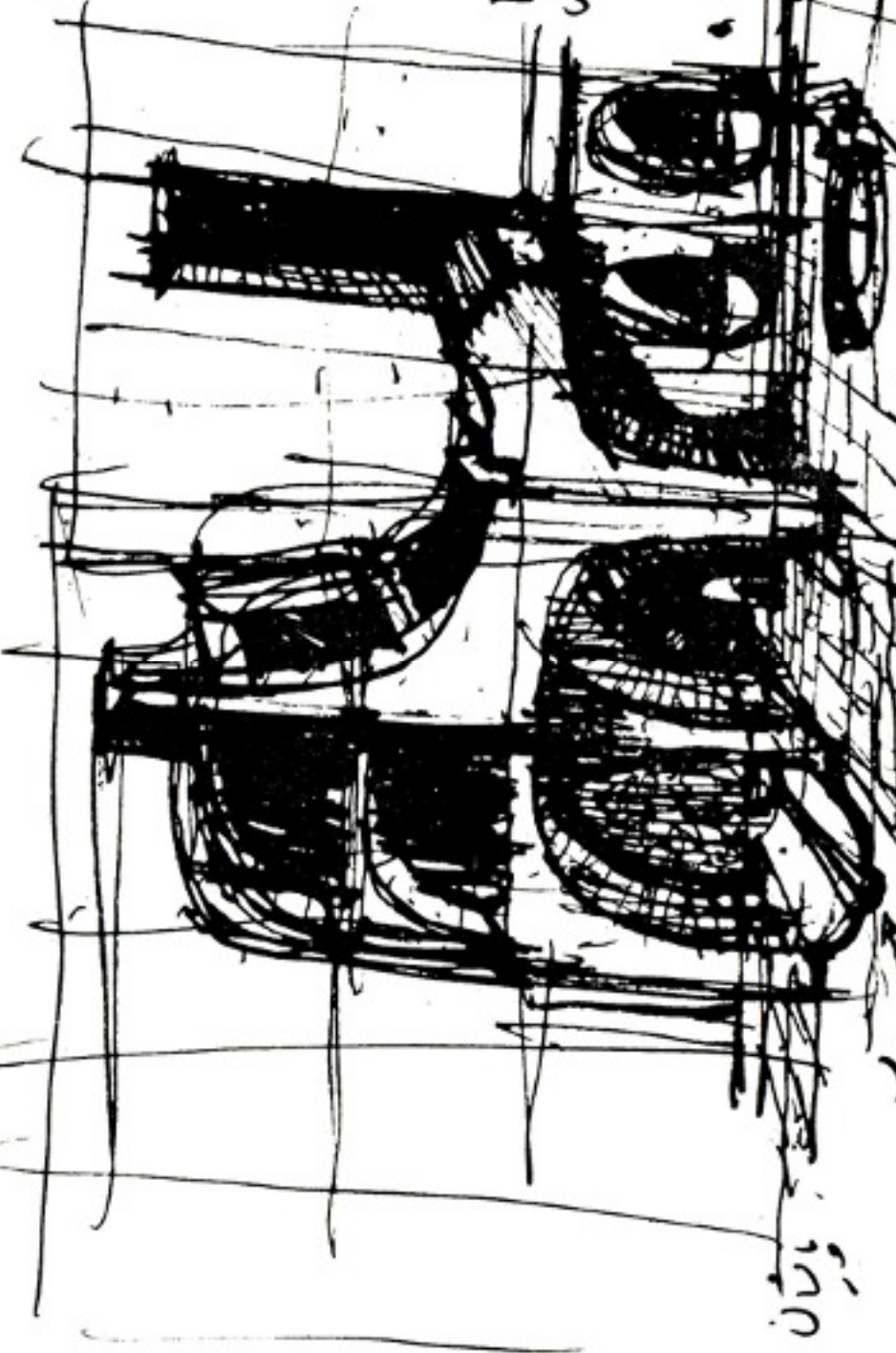
تصحیح درونی (لا)



درام حیوانات خیابان وکی صبرای

(ردم)

بچه آب و فواره و جالبه درام  
درآمده و بایان را خیس کنه



بهره نشو در جریاب رو



بای یا خیس کنی



بای خنل

بای خنل

بایان " خیس کنی